

بیمه کشاورزی:

۱. مبانی نظری بیمه ضرورت‌ها، موانع و کارکردها

معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی
دفتر: مطالعات زیربنایی

کد موضوعی: ۲۵۰
شماره مسلسل: ۱۵۱۷۵
آذرماه ۱۳۹۵

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه و طرح موضوع
۳	۱. تعاریف و مفاهیم
۱۰	۲. ریسک و مدیریت آن در کشاورزی
۱۷	۳. نظام بیمه کشاورزی
۱۹	۴. حمایت از بخش کشاورزی
۲۶	۵. بیمه کشاورزی و مکانیسم بازار
۲۹	۶. چالش‌های بیمه کشاورزی و الزامات اجرایی
۳۱	۷. خصوصی‌سازی بیمه کشاورزی
۳۴	۸. ارزیابی بیمه کشاورزی
۳۷	۹. عوامل مؤثر بر توسعه بیمه کشاورزی
۳۷	۱۰. نقش بیمه در توسعه کشاورزی
۳۹	۱۱. دولت‌ها و بیمه کشاورزی
۴۳	جمع‌بندی
۵۰	نتیجه‌گیری
۵۱	پیشنهادها
۵۱	منابع و مآخذ



بیمه کشاورزی:

۱. مبانی نظری بیمه ضرورت‌ها، موانع و کارکردها

چکیده

بیمه به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی خدماتی قلمداد می‌شود که در کشورهای توسعه‌یافته در قیاس با کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته از قدمت و پیشینه بیشتری برخوردار است. توسعه بیمه در بخش‌های اقتصادی صنعت، خدمات و کشاورزی به یک اندازه روی نداده است. بیمه در فعالیت‌های کشاورزی به دلیل تعدد و تنوع ریسک‌های غیرقابل کنترل موجود در این بخش، عدم سازگاری دریافتی‌ها و پرداختی‌ها و در نتیجه، عدم انگیزه شرکت‌های بیمه برای ارائه خدمات بیمه‌ای در بستر مکانیسم بازار آزاد، توسعه زیادی پیدا نکرده است. نقش کلیدی و بی‌بدیل فعالیت‌های بخش کشاورزی در تأمین غذای جامعه به‌عنوان مهمترین نیاز حیاتی انسان در کنار نقش‌های جانبی اما مهم دیگر نظیر کمک به رشد اقتصاد ملی، ایجاد اشتغال، جلوگیری از مهاجرت روستائیان، ارزآوری و... باعث شده است که حمایت‌های همه‌جانبه از بخش کشاورزی (هم به‌منظور توسعه این بخش و هم به‌منظور مقابله با ریسک‌های متعدد اقلیمی و غیراقلیمی) به‌عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر در تمامی کشورها پذیرفته شود. ریسک بالای فعالیت‌های کشاورزی در قیاس با فعالیت‌های صنعتی و خدماتی باعث شده است که مقوله بیمه در کشاورزی و توسعه روزافزون آن، همواره مورد تأکید برنامه‌ریزان، سیاستگذاران و حتی سیاستمداران قرار گیرد. مقایسه تطبیقی بیمه در فعالیت‌های کشاورزی با فعالیت‌های صنعت و خدمات، گویای تفاوت فراوان بیمه کشاورزی با بیمه صنعت و خدمات نظیر عدم سودآوری، وسعت پوشش بالا، تنوع خدمات بیمه، تنوع، گستره و تواتر ریسک‌های موجود، ضرورت حمایت یارانه‌ای دولت و... می‌باشد.

مقدمه و طرح موضوع

بیان مسئله

هر بنگاه اقتصادی در بدو تأسیس، باید وضعیت سه پارامتر تعیین‌کننده اقتصادی یعنی درآمد، هزینه و سود (زیان) را در طول دوره فعالیت خود در کوتاه‌مدت و بلندمدت در نظر بگیرد. تداوم هرگونه فعالیت اقتصادی در «بلندمدت» در هر نظام اقتصادی (بازار آزاد، متمرکز و مختلط)، نیازمند سودآوری مناسب آن خواهد بود. سودآوری مناسب یک فعالیت اقتصادی از طریق حفظ انگیزه حضور فعالان اقتصادی و پوشش هزینه‌های تولید کالاها و خدمات، موجب ثبات و توسعه آن فعالیت در آینده خواهد شد. این موضوع (رابطه مستقیم

ثبات و توسعه فعالیت اقتصادی و سودآوری مناسب آن) تا حدود زیادی در «کوتاه‌مدت» نیز صادق است. بیمه در اقتصاد به‌عنوان یک فعالیت پشتیبان برای بخش‌های اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) قلمداد می‌شود و با سازوکارهای حاکم بر فعالیت‌های بیمه‌گری، سبب انتقال بخشی از ریسک از تولیدکنندگان به شرکت‌های بیمه خواهد شد. بیمه کردن خطرات و ریسک‌های تهدیدکننده فعالیت‌های تولیدی باعث اطمینان خاطر فعالان اقتصادی در شرایط کنونی و آتی خواهد شد. اهمیت بیمه در اقتصاد، زمانی آشکار خواهد شد که بدانیم یکی از مهمترین پیش‌شرط‌های هرگونه سرمایه‌گذاری اقتصادی، امنیت آن سرمایه‌گذاری خواهد بود. عوامل خطر در تمامی بخش‌های اقتصادی به‌ویژه در بخش کشاورزی می‌توانند قابل کنترل، غیرقابل کنترل، اقلیمی و یا غیراقلیمی باشند. به‌دلیل تعدد عوامل غیرقابل کنترل در کشاورزی، ضرورت اجرایی کردن بیمه در این بخش بیشتر از سایر بخش‌های اقتصادی احساس خواهد شد. ثبات درآمد کشاورزی از یکسو تابع ثبات تولید و عملکرد تولید در فعالیت‌های کشاورزی است و از دیگر سو، تابع ثبات قیمت‌های حاکم بر بازار نهاده‌ها و محصولات کشاورزی خواهد بود. تلاش کشاورزان برای کاهش ریسک، معمولاً کافی به مقصود نبوده و اجرای نظام بیمه کشاورزی، گریزناپذیر خواهد بود. در همین راستا نظام بیمه محصولات کشاورزی از آغاز قرن بیستم میلادی در کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفت.

ضرورت مطالعه

مبانی شکل‌گیری و توسعه بیمه در بخش‌های صنعت و خدمات تا حدود زیادی با بخش کشاورزی متفاوت می‌باشد. نخستین تفاوت به وجود جاذبه‌های اقتصادی بالا در بخش‌های صنعت و خدمات برای حضور شرکت‌های بیمه خصوصی برمی‌گردد. سهولت کار بیمه‌گری در بخش‌های مزبور در قیاس با بخش کشاورزی را باید دومین تفاوت در این زمینه ذکر کرد. موضوعات دیگری نظیر تنوع، تواتر و شدت ریسک‌ها، مدیریت ریسک، حدود مداخله دولت در بیمه‌های کشاورزی، حمایت‌های دولتی از بخش کشاورزی و تفاوت‌های این موضوعات در بخش‌های صنعت و خدمات، در کنار وجود نگاه یکسان اما نادرست بر چگونگی اجرا و فعالیت بیمه در هر سه بخش اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات)، باعث شده است که بررسی مجزا و عمیق مبانی نظری بیمه کشاورزی به‌منظور تنویر افکار برنامه‌ریزان و سیاستگذاران، بسیار ضروری باشد.

اهداف مطالعه

۱. بررسی تعاریف و مفاهیم بیمه.
۲. بررسی جایگاه بیمه کشاورزی در سیاست‌های حمایتی.



۳. بررسی نقش بیمه در رشد و توسعه اقتصادی بخش کشاورزی.
۴. شناسایی موانع و چالش‌های فراروی توسعه بیمه کشاورزی.
۵. بررسی امکان خصوصی شدن بیمه کشاورزی.

پرسش‌های مطالعه

مهمترین پرسش‌هایی که در راستای اهداف تعریف شده و در حوزه مبانی نظری بیمه کشاورزی و جایگاه آن در صنعت بیمه وجود دارد، عبارتند از:

۱. آیا حمایت یارانه‌ای از بخش کشاورزی ضرورت دارد؟
۲. انواع حمایت‌ها از بخش کشاورزی کدامند؟
۳. چرا توسعه بیمه در کشاورزی ضروری است؟
۴. چه تفاوت‌هایی در میان محیط کشاورزی با محیط صنعت و خدمات از ابعاد انواع و گستره ریسک‌ها وجود دارد؟
۵. چرا حمایت یارانه‌ای از بیمه در بخش کشاورزی گریزناپذیر است؟
۶. آیا امکان حضور شرکت‌های بیمه خصوصی در کشاورزی وجود دارد؟
۷. جایگاه بیمه کشاورزی در سیاست‌های حمایت از بخش کشاورزی کجاست؟ (ضرورت‌ها و...)
۸. بیمه کشاورزی در رشد و توسعه بخش کشاورزی چه کارکردهایی دارد؟
۹. چه موانعی فراروی توسعه بیمه کشاورزی وجود دارند؟

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در مطالعه حاضر از نوع تحلیلی - توصیفی و مبتنی بر منابع اسنادی (کتابخانه‌ای) می‌باشد. برای این منظور تلاش شده است که پس از مروری گذرا بر تعاریف و مفاهیم موجود در حوزه بیمه کشاورزی، سایر موضوعات مرتبط با اهداف و پرسش‌های مطالعه با بهره‌گیری از منابع علمی و مطالعات انجام شده، تنظیم گردد.

۱. تعاریف و مفاهیم

هیچ فعالیت‌های اقتصادی را نمی‌توان یافت که در معرض یک یا چند تهدید بالقوه یا بالفعل قرار نداشته باشد. فعالیت‌های کشاورزی به دلیل وابستگی به شرایط بیرونی غیرقابل کنترل در معرض تهدیدها و خطرات بیشتری در قیاس با فعالیت‌های صنعتی و خدماتی قرار دارند. بدیهی است که تنوع و شدت هرکدام از این تهدیدها و خطرات در مناطق مختلف یکسان نمی‌باشد.

۱-۱. شانس^۱

در فرهنگ لغات از کلمه «شانس» به‌عنوان یک حادثه ناشناخته و غیرقابل پیشگویی یاد می‌شود که سبب وقوع حوادثی دلپذیر و مطلوب می‌شود. شانس نقطه مقابل خطر و ریسک می‌باشد. با این وصف می‌توان هر نوع پیشامد مثبت احتمالی را «شانس» قلمداد کرد. ریسک و شانس را می‌توان دو موضوع متقابل و متضاد دانست که افراد در زندگی و فعالیت‌های متعدد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود همواره با آنها مواجه هستند. کشاورزان در برخورد با مسائل کاری خود با یکی از سه شرایط حتمیت (اطمینان)، عدم حتمیت و ریسک مواجه خواهند بود (همان).

۱-۲. حتمیت یا اطمینان^۲

به شرایطی گفته می‌شود که در آن نه‌تنها نتایج ممکن هر پدیده و فعالیت با اطمینان کامل، معلوم است، بلکه از قبل تصمیم‌گیرنده (کشاورز)، نسبت به آن، آگاهی کامل دارد. به‌عبارتی دیگر، کشاورز تصمیم‌گیرنده، اطمینان کامل دارد که نتیجه مشخصی از فعالیت او حاصل می‌شود (همان).

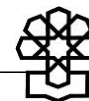
۱-۳. عدم حتمیت یا عدم اطمینان^۳

به وضعیتی گفته می‌شود که برای یک تصمیم، یک یا چند موقعیت وجود دارد و در عین اینکه نتایج ممکن یک فعالیت، معلوم نیست، «احتمال وقوع» آنها نیز از قبل مشخص نمی‌باشد. به‌عبارتی دیگر، از قبل، نتایج و احتمال آن هرکدام از نتایج مربوط به فعالیت مشخص برای هر کسی نامشخص است. این امر، بدان معنا خواهد بود که نمی‌توان به نتایج، یک توزیع احتمالی نسبت داد. به‌عنوان مثال، بازده نامطمئن یک سرمایه‌گذاری به این معنا می‌باشد که عواید قابل تصور، معلوم است ولی، احتمال وقوع آنها معین نمی‌باشد (همان).

۱-۴. ریسک^۴

«ریسک»، پیشامد منفی احتمالی است که در زمان دور یا نزدیک روی می‌دهد. وضعیتی است که تمام نتایج محتمل و احتمال وقوع آنها برای یک تصمیم خاص، معلوم می‌باشد. در شرایط ریسک، توزیع احتمالی نتایج را می‌توان تعریف کرد. ریسک، «عدم اطمینان از پیامد حادثه‌ای است که دو احتمال یا بیشتر دارد». مثلاً، احتمال زیان در اثر یک سرمایه‌گذاری خاص برابر ۳۰ درصد و احتمال سود مشخص آن برابر ۷۰ درصد می‌باشد. به‌طور کلی، خطر (ریسک) را می‌توان تهدیدی تعریف کرد که فعالیت اقتصادی را تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد (همان).

1. Chance
2. Certainty
3. Uncertainty
4. Risk



۵-۱. بیمه، بیمه‌گر و بیمه‌گذار

به‌طور کلی بیمه، نوعی مدیریت ریسک است که از آن برای جلوگیری از هرگونه زیان احتمالی استفاده می‌گردد. تعریف قراردادی بیمه، عبارت است از انتقال منصفانه احتمال زیان از یک فرد حقیقی یا حقوقی به یک فرد حقوقی دیگر در ازای دریافت حق بیمه. به‌عبارتی دیگر، بیمه، زیان تضمین شده و قابل اندازه‌گیری به‌منظور جلوگیری از زیان عمده و گسترده احتمالی در آینده می‌باشد (ایتوریوز، ۱۳۹۱). بیمه به‌عنوان ابزاری برای انتقال و تقسیم ریسک در میان بیمه‌گر و بیمه‌گذار، نیازمند راهکارها و برنامه‌های مکملی است تا دستیابی به اهداف آن میسر باشد.

مطابق آنچه که در ماده (۱) قانون بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران آمده است، «بیمه»^۱ عبارت است از قراردادی که به‌موجب آن یک طرف (بیمه‌گر) تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا وجهی از طرف دیگر (بیمه‌گذار)، در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی را بپردازد. متعهد را «بیمه‌گر»^۲ طرف تعهد را «بیمه‌گذار»^۳ و وجهی را که بیمه‌گذار به بیمه‌گر می‌پردازد، «حق بیمه»^۴ و آنچه را که بیمه می‌شود، «موضوع بیمه»^۵ نامند (بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵). ملاحظه شود که بیمه، روشی برای انتقال ریسک از یک فرد حقیقی یا حقوقی به یک فرد حقوقی دیگر (شرکت بیمه) می‌باشد.

۶-۱. کارگزار بیمه^۶

«کارگزار بیمه»، یک شخص حقیقی یا حقوقی است که در مقابل دریافت کارمزد از شرکت بیمه‌گر، واسطه انجام معاملات بیمه در میان بیمه‌گذار و بیمه‌گر می‌شود. کارگزار بیمه، نقش نماینده و مشاور بیمه‌گذار را داشته و بدون دریافت هیچ هزینه‌ای از بیمه‌گذار، بهترین نوع بیمه را با بالاترین کیفیت به او پیشنهاد می‌کند. همچنین کارگزار بیمه در صورت بروز خسارت احتمالی، وظیفه پیگیری دریافت مبلغ خسارت از شرکت بیمه‌گر را برای بیمه‌گذار برعهده خواهد داشت. در کنار این موضوع، کارگزار رسمی بیمه با شرکت‌ها و مؤسسات بیمه در کشور که از بیمه مرکزی مجوز فعالیت اخذ کرده‌اند، همکاری می‌نماید. بنابراین کارگزار بیمه به نوعی بین شرکت بیمه و مشتری، ارتباط هدفمند و با واسطه برقرار می‌کند. در ایران کارگزار بیمه کشاورزی، شرکت یا مؤسسه‌ای است که واسطه انجام معاملات در میان کشاورزان به‌عنوان بیمه‌گذار و صندوق بیمه کشاورزی به‌عنوان بیمه‌گر می‌باشد. هم‌اکنون ۴۲۸۲ کارگزار بیمه کشاورزی در قالب ۳۶۰ شرکت کارگزاری در استان‌های مختلف ایران فعالیت می‌کنند.

1. Insurance
2. Insurer
3. Underwriter
4. Net Premium
5. Insured
6. Insurance Broker

۷-۱. بیمه اتکایی^۱

«بیمه اتکایی»، قرارداد بیمه‌ای است که به موجب آن، بیمه‌گر، مستقیماً تمام یا قسمتی از نتایج مالی تعهدات بیمه‌ای خود را به بیمه‌گر دیگری انتقال می‌دهد. به عبارت ساده‌تر، بیمه اتکایی، بیمه نمودن مجدد ریسک‌های بیمه شده نزد بیمه‌گران اتکایی می‌باشد. بیمه‌گر مستقیم را «بیمه‌گر واگذارنده» و بیمه‌گر قبول‌کننده را «بیمه‌گر اتکایی» می‌نامند. بنابراین بیمه اتکایی، نوعی بیمه مجدد است و شرکت بیمه اتکایی نیز شرکتی است که شرکت‌های بیمه دیگر (شرکت‌های بیمه مستقیم) را به منظور حفاظت از منافع مشتریان بیمه می‌نماید. تقریباً در تمامی کشورها، شرکت‌های بیمه مستقیم موظف به عقد قراردادهای بیمه اتکایی هستند تا منافع مشتریان آنها به خطر نیفتد. شرکت‌های بیمه اتکایی در مقابل دریافت قسمتی از حق بیمه‌های شرکت‌های بیمه مستقیم، متعهد می‌شوند که بخشی از خسارت‌های احتمالی مربوط به بیمه‌نامه یا بیمه‌نامه‌های صادر شده توسط شرکت بیمه طرف قرارداد را جبران نمایند.

۸-۱. غرامت^۲

غرامت از نظر لغوی به معنای «جبران و عوض» بوده و عبارت است از پرداخت خسارت وارده به بیمه‌گذار توسط بیمه‌گر، در صورت وقوع خطر و خسارت به مورد بیمه شده. بنابر اصل غرامت، بیمه‌گذار نباید از بیمه سود ببرد.

۹-۱. کسورات^۳

مبلغ یا درصدی از خسارت است که از غرامت کسر می‌شود و بیانگر اولین بخش از خسارت است که بیمه‌گذار باید تقبل کند. هدف از کسورات، کاهش مخاطرات اخلاقی از طریق تشویق بیمه‌گذار به جلوگیری از وقوع خسارت است. کسورات می‌تواند یا به صورت درصدی از «سرمایه بیمه شده» باشد و یا براساس درصدی از «خسارت» تعیین شود (ایتوریوز، ۱۳۹۱).

۱۰-۱. فرانشیز^۴

آستانه یا حدی از خسارت است که بیمه‌گذار برای دریافت غرامت باید به آن برسد. وقتی که بیمه‌گذار به این آستانه برسد، مبلغ خسارت به طور کامل پرداخت می‌شود. هدف از فرانشیز، کاهش فراوانی ادعای خسارت می‌باشد (همان).

-
1. Reinsurance
 2. Indemnity
 3. Deductions
 4. Franchise



۱۱-۱. بیمه کشاورزی

بیمه کشاورزی،^۱ رشته‌ای خاص از بیمه اموال به حساب می‌آید که در حوزه بخش کشاورزی و توسط شرکت‌های بیمه کشاورزی عملیاتی می‌شود. به دلیل عدم تمایل شرکت‌های بیمه به فعالیت بیمه‌ای و ارائه خدمات به کشاورزان (به دلایلی چند)، نقش دولت و حمایت‌های آن از بیمه کشاورزی در تمام دنیا کاملاً پذیرفتنی و مشهود است.

در تمامی کشورها، بیمه محصولات کشاورزی، یک نوع طرح حمایتی است که به منظور تثبیت درآمد تولیدکنندگان از طریق به حداقل رساندن آثار اقتصادی زیان‌های ناشی از حوادث طبیعی نظیر خشکسالی، تگرگ، سرمازدگی، رطوبت، آفات و بیماری‌های غیرقابل کنترل عملیاتی می‌شود. معمولاً هزینه‌های اجرای طرح بیمه محصولات کشاورزی در بین تولیدکنندگان و دولت به نسبت‌های مشخصی تقسیم می‌شود. دولت در اجرای این طرح، ایفاگر نقش حمایتی خواهد بود.

بیمه محصولات کشاورزی از دیدگاه نظری، یک نوع مکانیسم مشارکت در پذیرش ریسک می‌باشد. اما در عمل، ابزاری هزینه‌بر برای انتقال ریسک از کشاورزان (تولیدکنندگان) به بیمه‌گران دولتی یا خصوصی قلمداد می‌شود. بیمه کشاورزی، نوعی بیمه است که براساس آن، محصولات کشاورزی در مقابل خطرات اقلیمی (مانند تگرگ، طوفان، سیل، صاعقه، یخبندان و سرمازدگی و بیماری‌های نباتی و حوادثی مانند آتش‌سوزی) و غیراقلیمی تحت پوشش قرار می‌گیرند و خسارت مالی وارد شده به کشاورزان (به‌عنوان بیمه‌گذار) براساس تعهد فیما بین توسط شرکت‌های بیمه (به‌عنوان بیمه‌گر) جبران می‌گردد. باید توجه داشته باشیم که اگر برخی کارهای پیشگیرانه را مدنظر قرار ندهیم، بیمه محصولات کشاورزی، نقشی در از بین بردن خطرات ندارد. بخش بسیاری از خطرات، همیشه وجود دارند. بیمه، خطرات را در طول زمان‌های مختلف، اصطلاحاً «سرشکن» می‌نماید. منظور از سرشکن کردن خطر در طول زمان این است که کشاورز با پرداخت حق بیمه، زیان ناشی از وقوع خطر را در طول زمان تقسیم می‌نماید (خالدی، ۱۳۹۳).

برای بیمه کشاورزی می‌توان دو تعریف محدود و جامع ارائه کرد (ایثاری، ۱۳۸۰):

الف) تعریف محدود بیمه کشاورزی: براساس این تعریف، بیمه کشاورزی صرفاً به بیمه محصولات کشاورزی محدود بوده و این محصولات از شروع دوره کاشت و داشت و در نهایت تا زمان برداشت مشمول بیمه می‌شوند. در ایران عمدتاً این تعریف از بیمه محصولات کشاورزی حاکم بوده و اجرایی گردیده است.

ب) تعریف جامع بیمه کشاورزی: این تعریف، دامنه و مدار کاملی از فعالیت‌های افقی کشاورزی (پیشین و پسین) را شامل شده و دربرگیرنده سرمایه‌گذاری‌های اولیه، ادوات و لوازم

کشاورزی و موارد مالی مربوط به عدم‌النفع یا از دست دادن زمان و مسئولیت‌های مربوط به استفاده از محصولات خواهد بود.

باید توجه داشت که تفاوت تعاریف مزبور تنها متوجه محدودیت‌ها و توانایی یک برنامه ملی برای ایجاد چتر حمایتی از بخش کشاورزی کشور نبوده و ارائه یک طرح جامع بیمه کشاورزی که در کنار پوشش محصولات، تمامی ریسک‌های اقتصادی، اجتماعی، فنی و طبیعی را دربر بگیرد، به سهولت میسر نخواهد بود.

اجرای جامع بیمه کشاورزی در کشور ایران، مستلزم تغییرات بنیادی و آمادگی بایسته و شایسته دو سوی موضوع یعنی کشاورزان (به‌عنوان متقاضیان خدمات بیمه کشاورزی) و صندوق بیمه کشاورزی (به‌عنوان عرضه‌کننده خدمات بیمه کشاورزی) خواهد بود.

۱۲-۱. بلایای طبیعی

بلایای طبیعی به آن دسته از حوادث زیانبار گفته می‌شوند که دارای منشأ غیرانسانی بوده؛ معمولاً امکان پیش‌بینی آنها وجود نداشته و یا اینکه حداقل از مدت‌های طولانی قبل، نمی‌توان وقوع آنها را پیش‌بینی کرد. در تعریفی دیگر، هر اتفاق طبیعی غیرمترقبه و ناگهانی که موجب تضعیف و نابودی توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی مانند خسارات جانی و مالی، تخریب تأسیسات زیربنایی، منابع اقتصادی و زمینه‌های اشتغال جامعه گردد، به‌عنوان بلای طبیعی تعریف می‌شود. زلزله، سیل، طوفان، گردباد، سونامی، تگرگ، بهمین، رعد و برق، تغییرات شدید دما، رانش زمین، خشکسالی، آتشفشان و طغیان آفات، نمونه‌های بارزی از بلایای طبیعی هستند که حیات اقتصادی و اجتماعی انسان را تهدید می‌نمایند. برخی از بلایای طبیعی، به‌طور غیرمستقیم، نتیجه عملکردهای نامناسب انسانی هستند (بلایای ناشی از افزایش آلودگی هوا، گرم شدن زمین و سیل ناشی از تخریب جنگل‌ها توسط انسان). بلایای طبیعی، منشأ اصلی خطرات اقلیمی برای فعالیت‌های انسانی در تمامی بخش‌های اقتصادی، به‌ویژه بخش کشاورزی به حساب می‌آیند.

بیش از ۴۰ نوع بلایای طبیعی در سطح جهان شناسایی شده است که هر گروه از آنها خود به چند زیرگروه دیگر تقسیم می‌شوند. در سرزمین ایران حداقل وقوع ۳۱ نوع بلایای طبیعی شامل: زلزله، سیل، طوفان، آلودگی آب‌وهوا و محیط زیست، آفات و بیماری‌های نباتی، رانش زمین، خشکسالی و گردوغبار سابقه داشته است. کشور ایران با تعداد زیادی حادثه و بلای طبیعی در زمره ۱۰ کشور اول بلاخیز دنیا قرار دارد. کاهش بارندگی، افزایش دما، تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی، فرونشست اراضی کشاورزی، طوفان ریزگردها و... نمونه‌ای از تحولات مخرب اقلیمی سه دهه گذشته در ایران هستند. تغییرات اقلیمی دارای دو گروه آثار بر بخش کشاورزی هستند:



- آثار اولیه: که مستقیماً به شکل کاهش میزان و کیفیت تولیدات باغی و زراعی خود را نشان می‌دهند.

- آثار ثانویه: عمدتاً به صورت کاهش کمیتی و کیفیت تولیدات زیربخش دام و طیور مشاهده می‌گردند.

تجارب گذشته و بررسی‌ها نشان داده است که بخش کشاورزی ایران، همواره در معرض تهدیدهای اقلیمی شدیدی قرار داشته و زیان‌های زیادی از خطرات اقلیمی متحمل شده است.

۱۳-۱. حق بیمه کشاورزی

با استناد به ماده (۳۲) اساسنامه صندوق بیمه کشاورزی، حق بیمه کشاورزی عبارت است از وجوهی که از کشاورزان به عنوان بیمه‌گذار در قبال قرارداد فیما بین بیمه‌گذار و شرکت بیمه‌گر دریافت خواهد شد. مقدار حق بیمه کشاورزی، تابع نرخ بیمه و سطح پوشش بیمه می‌باشد.

۱۴-۱. یارانه حق بیمه کشاورزی

عبارت است از بخشی (درصدی) از نرخ بیمه که دولت متعهد به پرداخت آن به شرکت‌ها یا صندوق‌های فعال در زمینه بیمه کشاورزی (در ایران، صندوق بیمه کشاورزی) است. یارانه حق بیمه کشاورزی به منظور تشویق کشاورزان برای بیمه کردن فعالیت‌های آنان پرداخت می‌شود و نوعی سیاست حمایتی انگیزشی قلمداد می‌شود. نقش یارانه حق بیمه در توسعه بیمه کشاورزی در میان کشاورزان، بسیار حائز اهمیت است.

۱۵-۱. ضریب نفوذ بیمه^۱

بیانگر درصد سهم صنعت بیمه از تولید ناخالص داخلی بوده و یک شاخص اقتصادی کمی (مقداری) قلمداد می‌شود. ضریب نفوذ بیمه از نظر محاسباتی برابر است با سهم مجموع حق بیمه دریافتی یک بخش اقتصادی یا کل اقتصاد کشور به کل ارزش افزوده آن بخش اقتصادی یا کل اقتصاد.

۱۶-۱. نسبت هیزل^۲

عبارت است از حاصلجمع غرامت پرداختی و هزینه‌های اداری (اجرایی) تقسیم بر مجموع حق بیمه‌ها. این نسبت معمولاً در مورد بیمه کشاورزی، بزرگ‌تر از واحد است.

۲. ریسک و مدیریت آن در کشاورزی

فعالیت اقتصادی در بخش کشاورزی با ریسک‌ها و خطرات متنوعی مواجه است. به همین خاطر مقابله، کنترل و مدیریت ریسک‌های موجود (تا حد امکان) از اهمیت زیادی برخوردار است.

۲-۱. انواع ریسک در کشاورزی

ریسک‌ها (خطراتی) که فعالیت‌های کشاورزی را تهدید می‌کنند، می‌توان به دو دسته اقلیمی و غیراقلیمی (بازاری، نهادی، رفتاری، سیاستی و نامنی) تقسیم کرد (خالدی، ۱۳۹۳):

۱. ریسک‌های اقلیمی: شامل آفات و بلایای طبیعی (گرمازدگی، سرمازدگی، آتش‌سوزی، سیل، تگرگ و ...) می‌باشد. کشاورزان در مقابل خطرات اقلیمی، تنها می‌توانند اقدامات پیشگیرانه به‌منظور کاهش یا جلوگیری از زیان‌های وارده به عمل آورند. بیمه کردن فعالیت‌های کشاورزی، راهی برای انتقال ریسک به دیگران (شرکت‌های بیمه) خواهد بود.

۲. ریسک‌های غیراقلیمی: این نوع خطرات، ممکن است قبل از کاشت محصول به شکل عدم دسترسی به موقع به نهاده‌های مناسب و یا بعد از برداشت به صورت عدم فروش محصولات در بازار به قیمت مناسب و یا فساد و از بین رفتن محصولات (خطرات بازاری) و از همه مهمتر، نوسانات قیمت نهاده‌ها و محصولات ظاهر شوند. خطرات ناشی از جنگ و محاصره اقتصادی نیز به دلیل تأثیر بر بازار محصولات و نهاده‌های تولید کشاورزی در زمره خطرات غیراقلیمی قرار می‌گیرند (خطرات نامنی). خطرات ناشی از سیاست‌های نادرست، فعالیت نهاده‌های مخرب و رفتارهای غیرعلمی و غیرعقلایی کشاورزان دربرگیرنده دیگر خطرات غیراقلیمی خواهند بود.

در یک طبقه‌بندی کلی، مهمترین عوامل مؤثر بر ایجاد و گسترش ریسک در بخش کشاورزی را به صورت زیر می‌توان بیان کرد:

- آب‌وهوا و بلایای طبیعی.
- آفات و بیماری‌ها.
- سیاست‌های اقتصادی (تولیدی و تجاری).
- نوسان قیمت‌های داخلی و جهانی.
- نهادها و سازمان‌های سیاستگذار و حامی.
- تصمیمات تولیدی فعالان کشاورزی.



۲-۲. منابع ریسک در بخش کشاورزی

فعالیت‌های کشاورزی، همواره با ریسک‌های متعددی مواجه هستند. منشأ این ریسک‌ها، می‌تواند متنوع باشد. به‌طور کلی مهمترین منابع ریسک در بخش عبارتند از:

الف) ریسک تولیدی: این نوع ریسک از عدم اطمینان نسبت به روند رشد طبیعی محصولات و یا تولید آنها ناشی می‌گردد. شرایط آب‌وهوایی، بیماری‌ها، آفات و دیگر عواملی که بر روی کیفیت و کمیت محصولات اثر می‌گذارند، از منابع ایجاد این نوع ریسک می‌باشند.

ب) ریسک قیمتی یا بازاری: این نوع ریسک به عدم اطمینان نسبت به قیمت‌های دریافتی توسط تولیدکنندگان برای محصول و یا قیمتی که آنها باید برای نهاده‌ها پرداخت نمایند، برمی‌گردد. ماهیت ریسک قیمتی، برخلاف ریسک تولید از محصولی به محصول دیگر متفاوت می‌باشد.

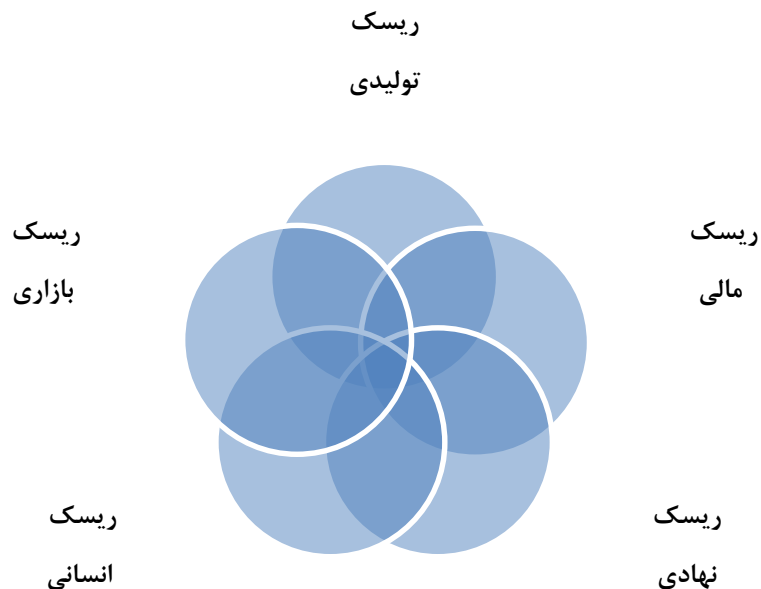
ج) ریسک مالی: این نوع ریسک زمانی ایجاد می‌گردد که زارع و یا تولیدکننده، پول قرض گرفته و یک تعهد جهت بازپرداخت آن برای خود ایجاد می‌نماید. افزایش نرخ بهره و محدودیت در دسترسی به اعتبارات از جنبه‌های مهم ریسک مالی می‌باشند.

د) ریسک نهادی: ریسک نهادی ناشی از وجود عدم اطمینان نسبت به فعالیت‌های دولت در بخش کشاورزی می‌باشد. قوانین مالیات، تغییرات نرخ ارز، دخالت‌های دولت در رابطه با تولید و فرآوری محصولات مثال‌هایی از تصمیمات دولت می‌باشند که اثر مهمی بر فعالیت‌های بخش کشاورزی دارند.

ه) ریسک انسانی: این نوع از ریسک بیشتر به عواملی از قبیل سلامتی نیروی کار برمی‌گردد که می‌تواند بر فعالیت‌های کشاورزی تأثیر بگذارد.

همپوشانی برخی از منابع ریسک (تولیدی، بازاری، نهادی، مالی و انسانی) در بخش کشاورزی، باعث ایجاد شرایط نامناسب‌تر برای فعالیت‌های کشاورزی خواهد شد (نمودار ۱).

نمودار ۱. منابع ریسک در بخش کشاورزی



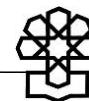
لازم به یادآوری است که در ایران تنها ریسک تولیدی توسط صندوق بیمه کشاورزی پوشش داده می‌شود.

در یک طبقه‌بندی دیگر، منابع ریسک در بخش کشاورزی به سه دسته تقسیم شده است (ایثاری، ۱۳۸۰):

الف) ریسک طبیعی: این ریسک‌ها در کشاورزی ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل، نگرگ، زلزله، سرمازدگی، گرمادگی، تغییرات ناگهانی درجه حرارت و حوادث بوده و با توجه به شدت و دامنه، برای این بخش به صورت انحصاری، درجات مختلفی از خسارت را به همراه می‌آورند. این نوع ریسک‌ها از تواتر و شدت زیادی معمولاً برخوردار هستند.

ب) ریسک تکنولوژیکی: منشأ این نوع ریسک به کاربرد تکنولوژی در کشاورزی مدرن و تجاری برمی‌گردد. مرغداری‌ها و کشت‌های گلخانه‌ای به دلیل استفاده از ابزارها و تأسیسات مکانیکی و الکتریکی همواره می‌توانند با خطرات تکنولوژیکی مواجه باشند. این نوع ریسک‌ها دارای تواتر کم و شدت متوسط بوده و با تدابیر مناسب می‌توان تحقق آنها را به حداقل رساند.

ج) ریسک اجتماعی: این نوع از ریسک‌ها، نتیجه زندگی اجتماعی کشاورزان و ارتباطات مالی و قراردادی آنان با بازارهای خرید و فروش نهاده‌ها و محصولات، مقررات و قوانین حاکم بر فعالیت آنها و



همچنین نیروی کاری است که به خدمت می‌گیرند. میزان تواتر و شدت این نوع ریسک‌ها، متفاوت است. یکی از مؤثرترین راه‌های مقابله با انواع ریسک، مدیریت آنها خواهد بود. مدیریت ریسک در بخش کشاورزی به دلیل وابستگی فعالیت‌های آن به طبیعت از اهمیت بیشتری برای شرکت‌های بیمه برخوردار است.

۳-۲. مدیریت ریسک در کشاورزی

عدم ثبات درآمد کشاورزان، محصول عوامل گوناگونی از جمله وجود و حاکمیت انواع ریسک در فعالیت‌های کشاورزی است. بیمه محصولات کشاورزی، مکانیسمی است که در جهت کاهش عدم ثبات درآمد تولیدکنندگان بخش کشاورزی از طریق کاهش ریسک تولید و عملکرد عمل می‌نماید. بنابراین ثبات درآمد کشاورزی از یکسو تابع ثبات تولید و عملکرد تولید در فعالیت‌های کشاورزی است و از دیگر سو، تابع ثبات قیمت‌های حاکم بر بازار نهاده‌ها و محصولات کشاورزی خواهد بود. تلاش کشاورزان برای کاهش ریسک، معمولاً کافی به مقصود نبوده و اجرای نظام بیمه کشاورزی، گریزناپذیر خواهد بود. در همین راستا نظام بیمه محصولات کشاورزی از آغاز قرن بیستم میلادی در کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفت. در بسیاری از کشورها، بیمه کشاورزی به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های تجاری بیمه شناخته شده که با حمایت‌های دولتی از آن روز به روز بر دامنه و پوشش آن افزوده شده است. این شرایط، بیانگر ضرورت اجرای بیمه در بخش کشاورزی بوده و کشورهای مختلف متناسب با برنامه‌ها، اهداف و منابع مالی خود به توسعه بیمه محصولات کشاورزی پرداخته‌اند.

توسعه بیمه محصولات کشاورزی یکی از راهکارهای مهم در وهله اول برای کاهش خطرپذیری شغل کشاورزی و در وهله دوم جلوگیری از کاهش امنیت غذایی (بعد دسترسی فیزیکی به مواد غذایی) در آن دسته از کشورهایی است که بخش کشاورزی آنها با انواع متعددی از خطرات مواجه است. زیرا بیمه محصولات کشاورزی برای کشاورزان «امنیت» را به ارمغان می‌آورد که در کنار «سودآوری» به‌عنوان دومین فاکتور مهم برای شروع و تداوم هرگونه فعالیت اقتصادی به حساب می‌آید.

عدم ثبات در درآمدهای مزرعه و متضرر شدن تولیدکنندگان در اکثر کشورهای توسعه‌نیافته و حتی در بخشی از کشورهای درحال توسعه از ناحیه عوامل غیرقابل کنترل و ریسک‌هایی که از طریق روش‌های مدیریت ریسک قابل کنترل نمی‌باشند، فشارهایی را بر دولت‌های این کشورها وارد آورده است تا برنامه‌هایی را در جهت ثبات درآمدهای تولیدکنندگان از قبیل پرداخت‌های جبرانی، تعیین قیمت تضمینی، تعیین قیمت هدف و خریدهای اعتباری و یا بیمه محصولات کشاورزی تهیه و تدوین نمایند. در کشورمان (ایران) نیز از دیرباز به‌منظور حفظ و ایجاد ثبات در قیمت محصولات کشاورزی، سیاست‌های مختلفی از قبیل قیمت تضمینی، پرداخت یارانه به تولیدکنندگان و بیمه محصولات

کشاورزی بسط و توسعه یافته است.

فعالیت‌های بخش کشاورزی به دلیل اتکای اصلی بر طبیعت (اکثراً غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل) در قیاس با فعالیت‌های دیگر بخش‌های اقتصادی با ریسک‌های متنوع و مخرب‌تری مواجه هستند. به همین خاطر بیمه در بخش کشاورزی، ضرورت بیشتری برای مدیریت خطرات پیدا کرده است. کشاورزی به‌عنوان یکی از فعالیت‌های پرخطر اقتصادی قلمداد می‌شود. معمولاً مهمترین خطراتی که این بخش را تهدید می‌کنند، در وهله اول، تغییرات اقلیمی (خشکسالی، سرمازدگی، گرمادگی و...) و آفات می‌دانیم. اما نکته ظریف اینجاست که هرگز تهدیدهای این بخش را نباید به تهدیدها و خطرات مربوط به دوره‌های کاشت و داشت و برداشت محصولات محدود ساخت. نگهداری، انتقال، شیوه‌های بسته‌بندی و... برای بخش کشاورزی شرایط ویژه‌ای را می‌طلبد. بنابراین خطر یا همان ریسک، همیشه (از زمان کاشت تا فروش محصول) با فعالیت‌های بخش کشاورزی همراه خواهد بود و مدیریت ریسک نیز باید جزئی از برنامه‌های کشاورزان قرار گیرد.

امروزه به‌کارگیری منظم سیاست‌های مدیریتی، رویه‌ها و فرآیندهای مربوط به فعالیت‌های تحلیل، ارزیابی و کنترل ریسک در مدیریت ریسک، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. مدیریت ریسک، عبارت است از تخمین ریسک (شامل شناسایی، تحلیل و اولویت‌بندی) و کنترل ریسک (شامل مراحل برنامه‌ریزی مدیریت ریسک، برنامه‌ریزی نظارت بر ریسک و اقدامات اصلاحی). مدیریت ریسک را به هفت فاز طبقه‌بندی می‌نمایند (خالدی، ۱۳۹۳):

۱. شناسایی عوامل ریسک.
۲. تخمین احتمال رخداد ریسک و میزان تأثیر آن.
۳. ارائه راهکارهایی جهت تعدیل ریسک‌های شناسایی شده.
۴. نظارت بر عوامل ریسک.
۵. ارائه یک طرح احتمالی.
۶. مدیریت بحران.
۷. احیا و بازسازی فعالیت اقتصادی بعد از بحران.

کشاورزان به‌منظور کنترل آثار خطرات اقلیمی و غیراقلیمی بر فعالیت کشاورزی خود، ممکن است که در کنار اعمال مدیریت ریسک، از تکنیک دیگری یعنی «بیمه» نیز استفاده نمایند. کشاورزان برای بیمه محصولات خود در مقابل حوادث غیرمترقبه می‌توانند به دو روش عمل نمایند. استفاده از هرکدام از این روش‌ها، بستگی به مهارت، توان مالی کشاورز و وضعیت بیمه محصولات کشاورزی در منطقه یا کشور خواهد داشت. استفاده از هر روشی برای بیمه فعالیت‌های کشاورزی، مستلزم پرداخت هزینه (مستقیم یا غیرمستقیم) برای کشاورزان خواهد بود (خالدی، ۱۳۹۳):



الف) از طریق شرکت‌های بیمه: در این شیوه، کشاورز با مراجعه به دفاتر بیمه محصولات کشاورزی و با پرداخت «مبالغ نقدی معین»، فعالیت کشاورزی خود را در مقابل حوادث و خطرات، بیمه می‌نماید. بدین ترتیب، کشاورزان عامل ریسک را که در واقع نوعی هزینه متغیر است، با پرداخت حق بیمه به صورت هزینه ثابت در می‌آورند. افزایش هزینه‌های متغیر، موجب کاهش میزان تولید و سود می‌شود. در عمل سازمان‌های بیمه، فعالیت‌های کشاورزی را تنها در مقابل حوادث و خطرات اقلیمی بیمه می‌نمایند.

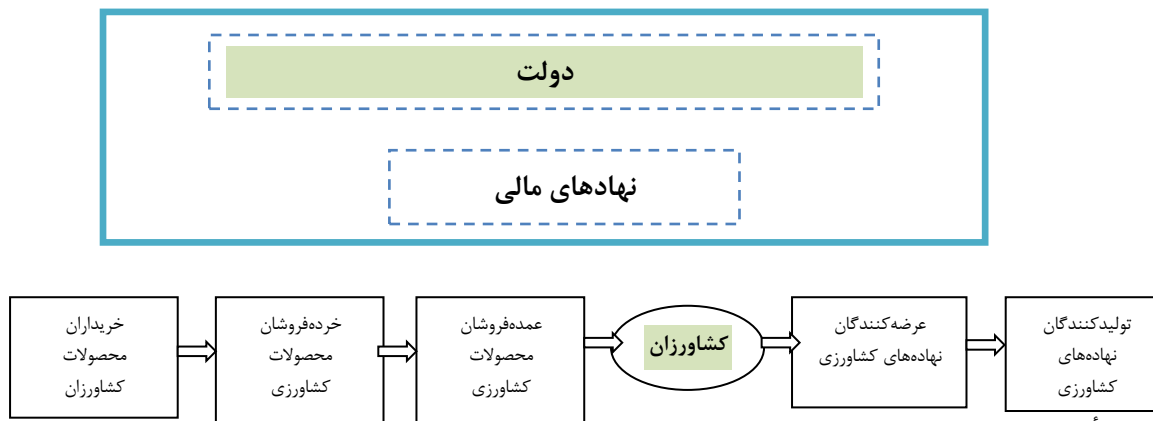
ب) از طریق ابتکارهای کشاورز: تجارب سالیان دراز به کشاورزان آموخته است که با استفاده از نوعی مدیریت ریسک تجربی، چگونه فعالیت خود را در مقابل خطرات اقلیمی و غیراقلیمی محافظت نمایند. به عبارتی دیگر، کشاورزان با اتخاذ روش‌های ذیل سعی می‌کنند که هم خطرات اقلیمی و هم خطرات غیراقلیمی (بازاری) را به حداقل برسانند. اگرچه در این روش‌ها، کشاورزان مبالغ نقدی پرداخت نمی‌کنند، اما عملاً به دلیل کاهش درآمد واحد کشاورزی، باعث کاهش کل سود کشاورزان خواهد شد و این کاهش سود را می‌توان هزینه بیمه دانست که به طور غیرمستقیم پرداخت شده است (کاهش درآمد را می‌توان هزینه غیرمستقیم محسوب کرد). مهمترین ابتکارهای کشاورزان برای دوری از خطرات عبارتند از:

- ۱. ترکیب کشاورزی با فعالیت‌های فرآوری محصولات:** با این کار عملاً بخش فرآوری واحد کشاورزی به متقاضی محصولات کشاورزی مزرعه تبدیل خواهد شد. در نتیجه، خطر عدم فروش محصولات کشاورزی یا فروش آنها با قیمت پایین (خطرات غیراقلیمی) تا حدود زیادی رفع می‌گردد.
 - ۲. پیش‌فروش کردن محصول:** کشاورز با پیش‌فروش کردن محصولات خود به کارخانه‌های فرآوری، سلف‌خران، میدان‌داران و...، عملاً بخش زیادی از ریسک اقلیمی و غیراقلیمی را به دیگران منتقل می‌نماید. پیش‌فروش کردن محصولات همیشه به سود کشاورزان و یا به سود خریداران آن محصولات نخواهد بود.
 - ۳. کشت چندمحصولی:** کشاورز با کشت چند محصول به جای یک محصول (جایگزینی کشت تخصصی با کشت متنوع)، علاوه بر اینکه مانع از ورشکستگی خود در اثر حمله آفات یک محصول و نابودی آن محصول می‌شود، می‌تواند همزمان خطرات بازاری عدم فروش یک محصول را نیز کاهش دهد.
 - ۴. انعطاف‌پذیری:** انعطاف‌پذیری، روشی است که به کشاورز اجازه می‌دهد تا طرح تولیدی خود را در صورت نیاز با گذشت زمان تغییر دهد.
- نتیجه اینکه، مدیریت ریسک در بخش کشاورزی باید بر ترکیب بهینه از ابزارهای مالی، فنی و فرهنگی متکی باشد.

۴-۲. مدیریت ریسک زنجیره کسب‌وکار کشاورزی

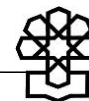
آثار بخش کشاورزی را در اقتصاد ملی می‌توان به دو بخش یعنی آثار مستقیم (که در قالب حساب‌های ملی و به صورت سهم ارزش افزوده آن در تولید ناخالص، سهم صادرات آن در کل صادرات غیرنفتی، سهم اشتغال آن در کل اشتغال کشور و... نشان داده می‌شود) و آثار غیرمستقیم (آثار پسین و پیشین بر اقتصاد ملی) تقسیم کرد. مطالعات متعدد نشان داده است که آثار غیرمستقیم بخش کشاورزی در اقتصاد ملی، بسیار بیشتر از آثار مستقیم آن می‌باشد.^۱ به جهت اهمیت بخش کشاورزی و آثار پسین و پیشینی که فعالیت‌های این بخش بر اقتصاد کشور دارد، گزینه مناسب، جامع و کارآمد، تمرکز «مدیریت ریسک در کل زنجیره ارزش کسب‌وکار کشاورزی» به جای مدیریت ریسک فعالیت‌های مستقیم کشاورزی در زیربخش‌های باغداری، زراعت، دام و طیور و آبزیان خواهد بود. چنین نگاهی از یکسو باعث ثبات و پایداری زنجیره‌های ارزش کسب‌وکارهای مختلف کشاورزی می‌شود و از دیگر سو، می‌تواند به اجرایی ساختن بیمه در کشاورزی (از جهت تناسب درآمدها و مخارج شرکت‌های بیمه کشاورزی) کمک نماید. در نمودار ۲ یک زنجیره ارزش کسب‌وکار کشاورزی فرضی و در جدول ۱ ریسک‌هایی که هر کدام از اعضای زنجیره ارزش کسب‌وکار کشاورزی را تهدید می‌نمایند، نشان داده شده است.

نمودار ۲. یک زنجیره ارزش کسب‌وکار کشاورزی فرضی



مأخذ: نتایج مطالعه با اقتباس از: ایتوریوز، ۱۳۹۱.

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه آثار غیرمستقیم بخش کشاورزی در اقتصاد ملی کشورها می‌توانید به منبع ذیل مراجعه نمایید:
کوهسار خالدی. «برآورد سهم ارزش افزوده کسب‌وکار کشاورزی در اقتصاد ایران»، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، ۱۳۹۴.

**جدول ۱. ریسک‌های فراروی اعضای مستقیم و غیرمستقیم زنجیره ارزش کسب‌وکار کشاورزی فرضی**

نوع ریسک	اعضای مستقیم و غیرمستقیم زنجیره ارزش کسب‌وکار کشاورزی
ریسک بودجه و ثبات اجتماعی	دولت
ریسک اعتباری	نهادهای مالی
ریسک درآمد (تولید و فروش)	تولیدکنندگان نهاده‌های کشاورزی
ریسک فروش	عرضه‌کنندگان نهاده‌های کشاورزی
ریسک درآمد (تولید و فروش)	کشاورزان
ریسک درآمد	عمده‌فروشان محصولات کشاورزی
ریسک درآمد	خرده‌فروشان محصولات کشاورزی
ریسک امنیت غذایی	خریداران محصولات کشاورزی (مصرف‌کنندگان)

مأخذ: نتایج مطالعه با اقتباس از: ایتوریوز، ۱۳۹۱.

۳. نظام بیمه کشاورزی**۳-۱. انواع نظام بیمه کشاورزی**

الف) نظام بیمه تک‌خطر (خطر با نام): در این نظام بیمه‌ای منحصرأً خطر «واحد و مشخص» تحت پوشش قرار می‌گیرد. براساس نتیجه بررسی فائو از بین ۸۱ طرح بیمه مورد بررسی این سازمان در سراسر جهان، تنها ۵ درصد دارای بیمه تک‌خطر بوده‌اند.

ب) نظام بیمه خطرات محدود (مشخص): بیمه خطرات محدود معمولاً شامل حداکثر چهار نوع خطر بیمه شده می‌باشد. ۴۱ درصد طرح‌های مورد بررسی فائو در این طبقه قرار داشته‌اند.

ج) نظام بیمه خطرات چندگانه (چندخطره): این طبقه‌بندی عملاً دربرگیرنده درصد بالایی از خطرات است. ۵۲ درصد از طرح‌ها و از جمله بیمه کشاورزی در ایران در این گروه جای می‌گیرند.

د) نظام بیمه تمام‌خطر: این نوع بیمه شامل گسترده‌ترین پوشش بیمه‌ای است. در بین کشورهای مورد بررسی توسط فائو، تنها ۲ درصد (۳ کشور) دارای بیمه تمام‌خطر بوده‌اند. بیمه‌های تمام‌خطر در طرح‌های بیمه تضمین تولید و بیمه درآمد جاری بوده و در مورد تعداد معدودی از محصولات اجرا می‌شوند.

۳-۲. انواع بیمه کشاورزی از نظر شیوه اجرا

از نظر شیوه و چگونگی اجرا می‌توان بیمه کشاورزی را به سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

الف) بیمه اجباری محصولات کشاورزی: بیمه اجباری محصولات کشاورزی در کشورهای نظیر قبرس، سوئد، روسیه، مغولستان، اروگوئه، ونزوئلا و جامائیکا اعمال می‌شود.

ب) بیمه اختیاری محصولات کشاورزی: بیمه اختیاری محصولات کشاورزی در کشورهای نظیر شیلی، اسپانیا، آلمان، پرتغال، سوئیس، فرانسه، فنلاند، یونان، مجارستان، نیوزیلند، تونس، زامبیا،

کانادا، پاناما، برزیل، مکزیک، ایالات متحده آمریکا، کلمبیا و اکوادور در جریان می‌باشد.
ج) بیمه تلفیقی (اجباری—اختیاری) محصولات کشاورزی: بیمه تلفیقی محصولات کشاورزی در کشورهایی مانند لهستان، ژاپن، نیجریه و سریلانکا به کار گرفته می‌شود.

۳-۳. انواع مدل‌های بیمه کشاورزی

برای توسعه و گسترش بیمه در بخش کشاورزی با توجه به میزان حضور و حمایت بخش دولتی می‌توان سه مدل متفاوت را شناسایی کرد (ایتوریوز، ۱۳۹۱):

الف) مدل بیمه کشاورزی مبتنی بر کنترل دولت: این مدل، دارای سطح بالایی از حمایت دولت و یک محصول (خدمت) واحد بیمه بوده و معمولاً توسط یک شرکت بیمه انحصاری کاملاً دولتی اجرایی می‌گردد. چنین مدلی تا دهه ۱۹۹۰، مدل غالب در سطح دنیا بوده است. مهمترین ویژگی‌های مدل دولتی بیمه کشاورزی عبارتند از:

۱. بالا بودن ضریب نفوذ بیمه.

۲. تنوع در پرتفوی.

۳. غالب شدن معیارهای اجتماعی بر معیاری فنی.

۴. انحصاری بودن خدمات بیمه.

۵. مسئولیت کامل توسط دولت.

۶. بالا بودن هزینه‌های مالی برای دولت.

ب) مدل بیمه کشاورزی مبتنی بر مکانیسم بازار (عرضه و تقاضا): در این مدل، حمایت بخش دولتی از بیمه کشاورزی، وجود ندارد و یا بسیار کم است و چندین شرکت بیمه به ارائه انواع مختلفی از محصولات و خدمات بیمه‌ای به صورت تجاری اقدام می‌نمایند. مهمترین ویژگی‌های مدل مبتنی بر مکانیسم بازار بیمه کشاورزی عبارتند از:

۱. ضریب نفوذ مناسب اما پایین.

۲. تنوع‌پذیری خدمات و ریسک پایین.

۳. غلبه معیارهای تجاری بر معیارهای فنی.

۴. وجود رقابت در قیمت خدمات بیمه.

۵. فقدان هزینه مالی برای دولت.

ج) مدل بیمه کشاورزی مبتنی بر مشارکت دولت و بخش خصوصی: این مدل، نوعی مدل بینابینی از دو نوع مدل مزبور بوده و به صورت برنامه‌های مشارکتی خصوصی- دولتی (PPP)^۱ توسعه



پیدا کرده است. یعنی هم از حمایت دولتی برخوردار است و هم خدمات بیمه متنوع ارائه می‌شود. صندوق‌های بیمه تعاونی مبتنی بر PPP در کشورهای با درآمد متوسط به‌عنوان راهی برای تقویت عرضه بیمه‌های کشاورزی تعریف شده‌اند. بیمه‌های مشارکتی باعث بهبود عملکرد مالی برنامه‌های بیمه کشاورزی دولتی خواهند شد. به‌نظر می‌رسد که نسبت‌های خسارت در بخش کشاورزی، زمانی کاهش خواهد یافت که برنامه‌های بیمه‌ای توسط بخش خصوصی اداره شده و یا اینکه با حمایت دولتی در قالب مدل مشارکتی هدایت شود (ماهول و استاتلی، ۱۳۹۳). مهمترین ویژگی‌های مدل مشارکتی بیمه کشاورزی عبارتند از:

۱. بالا بودن ضریب نفوذ.
۲. پرتفوی متنوع.
۳. غلبه معیارهای فنی بر معیارهای تجاری.
۴. وجود رقابت برای ارائه خدمات بیمه.
۵. افزودن ثبات به سیستم توسط دولت.
۶. افزودن کردانی و فنون به سیستم بیمه توسط بخش خصوصی.
۷. وجود هزینه‌های مالی منطقی برای دولت.

برای ایجاد و توسعه یک بازار بیمه کشاورزی موفق، کارآمد و باثبات، مدل بیمه کشاورزی مبتنی بر مشارکت دولت و بخش خصوصی (مدل مشارکتی)، ترجیح داده می‌شود. زیرا همزمان که از طریق مشارکت بخش خصوصی، مهارت، تخصص و نوآوری به بازار بیمه کشاورزی وارد می‌شود، مشارکت بخش دولتی به شکل حمایت از بیمه کشاورزی، نقش کلیدی در توسعه برنامه‌های بیمه کشاورزی خواهد داشت.

۴. حمایت از بخش کشاورزی

۴-۱. جایگاه بیمه در سیاست‌های حمایت از کشاورزی

گاهی اوقات و در پاره‌ای از موارد در منابع اقتصادی، حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی معادل مداخله دولت در این بخش تعبیر می‌شود. بدیهی است که مداخله دولت در بخش کشاورزی هم می‌تواند جنبه حمایتی داشته باشد و هم جنبه ضدحمایتی. حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی در قالب مجموعه ابزارهای معینی صورت می‌گیرد. این ابزارهای حمایتی مبتنی بر یک سری راهبردها تعریف می‌شوند. از لحاظ نظری مهمترین راهبردهای دولت برای حمایت (دخالت) در بخش کشاورزی عبارتند از:

۱. تثبیت عرضه محصولات تولیدی.
۲. تثبیت تقاضای محصولات تولیدی.
۳. تثبیت قیمت محصولات تولیدی.
۴. تثبیت قیمت نهاده‌های کشاورزی
۵. تثبیت درآمد کشاورزان.
۶. تنظیم بازار محصولات کشاورزی.
۷. تشویق تولید.
۸. تشویق صادرات.
۹. محدودیت در تولید برخی از محصولات.
۱۰. تشویق یا محدود نمودن استفاده از نهاده‌های خاص.
۱۱. تشویق سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی.
۱۲. کمک به توسعه پایدار بخش کشاورزی.

ملاحظه می‌شود که دولت برای مداخله در بخش کشاورزی می‌تواند راهبردهای متفاوت و حتی گاه متناقضی را به صورت همزمان دنبال کند. در چنین شرایطی، سیاستگذار به جای استفاده از یک ابزار حمایتی از مجموعه‌ای از این ابزارها در قالب «سبد حمایتی» استفاده خواهد کرد؛ موضوعی که در بسیاری از کشورهای دنیا از جمله کشورهای عضو OECD (با بیشترین حمایت ممکن از بخش کشاورزی) به امری رایج و متداول تبدیل شده است.

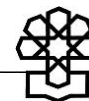
حمایت‌های بیمه‌ای از بخش کشاورزی تنها بخشی از حمایت‌های دولتی از این بخش به حساب می‌آید. یکی از اهداف توسعه بیمه در بخش کشاورزی، تثبیت درآمد تولیدکنندگان محصولات این بخش می‌باشد و معمولاً دولت‌ها در کنار این ابزار حمایتی از طریق ابزارهای حمایتی دیگر نظیر قیمت تضمینی، یارانه‌های تولیدی و... برای دستیابی به این مهم تلاش می‌نمایند. علیرغم اختلاف نظر اقتصاددانان در زمینه ضرورت و عدم ضرورت حمایت از بخش کشاورزی، در عمل حمایت از بخش کشاورزی در تمامی کشورها پذیرفته شده و عملیاتی گردیده است. حمایت‌های بخش دولتی از بخش کشاورزی معمولاً به چند طریق انجام می‌شود (نمودار ۳):

الف) حمایت‌های نهاده‌ای: به صورت تهیه آسان، ارزان و بهنگام نهاده‌های مناسب مختلف تولید.

ب) حمایت‌های فنی: به صورت مشاوره کارشناسی در امر تولید در تمامی مراحل کاشت، داشت و برداشت محصولات.

ج) حمایت‌های بازاری: به صورت بازاریابی مستقیم و ایجاد تسهیلات بازاریابی برای محصولات

کشاورزی.



- د) **حمایت‌های اعتباری:** به صورت پرداخت تسهیلات ترجیحی، ارزان، متنوع، دارای شرایط دریافت و پرداخت آسان و... .
- ه) **حمایت‌های زیربنایی:** به صورت اجرای پروژه‌های زیربنایی نظیر تأسیس سردخانه‌ها و انبارها، کانال‌های آبرسانی و... .
- و) **حمایت‌های مالی:** به صورت پرداخت‌های نقدی بلاعوض به کشاورزان، معافیت از بازپرداخت وام‌ها، استمهال وام‌ها، پرداخت بخشی از حق بیمه محصولات کشاورزی و... .

نمودار ۳. انواع حمایت‌های دولتی از بخش کشاورزی



حمایت‌های دولتی از بخش کشاورزی در سازمان جهانی تجارت (WTO) به صورت حمایت‌های مجاز و حمایت‌های غیرمجاز و در قالب جعبه‌های سبز، آبی و زرد (کهربایی) طبقه‌بندی شده‌اند:

الف) حمایت‌های مجاز: حمایت‌های موجود در جعبه سبز که شامل حوزه‌های تحقیق و توسعه، آموزش، بیمه و... خواهد بود و همچنین حمایت‌های موجود در جعبه آبی نظیر جبران کاهش تولید محصولات در ذیل مجموعه حمایت‌های مجاز WTO قرار می‌گیرند.

ب) حمایت‌های غیرمجاز: حمایت‌های موجود در جعبه زرد به دلیل اینکه اولاً امکان افزایش آنها وجود ندارد و ثانیاً باید با گذشت زمان معین، مقدار آنها به تدریج کاهش یافته و به سطح معینی برسد، به نوعی غیرمجاز قلمداد می‌شوند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، کمک‌های بیمه‌ای دولت به بخش کشاورزی هم در میان حمایت‌های مجاز WTO قرار دارد و هم در قالب بخشی از حمایت‌های مالی دولت از بخش کشاورزی، به عنوان یک سیاست اجرایی مرسوم در تمامی کشورهای دنیا پذیرفته شده است.

۴-۲. سرمایه‌گذاری و ضرورت بیمه محصولات کشاورزی

تحقق توسعه اقتصادی بخش کشاورزی همانند دیگر بخش‌های اقتصادی، بسان تولید میوه بادام است که «هسته» آن را نیروی کار متخصص و کارآمد تشکیل می‌دهد و «پوسته» آن، سرمایه‌گذاری خواهد بود. به عبارتی دیگر پوسته و هسته، الزامات اولیه تحقق توسعه اقتصادی در بخش کشاورزی هستند. سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران در قیاس با دیگر بخش‌های اقتصادی، بسیار پایین است (۳/۴ درصد در سال ۱۳۹۱ براساس سال پایه ۱۳۸۳). همواره این پرسش کلیدی مطرح بوده است که چرا با وجود قوانین و سیاست‌های متعدد در زمینه توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، این بخش در جذب سرمایه متناسب (حداقل به اندازه سهم خود از تولید ناخالص ملی) موفق عمل نکرده است؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توان به عوامل ذیل اشاره داشت:

۱. **ساختار خاص بخش کشاورزی ایران:** درصد بسیار بالایی از شاغلان کشاورزی، خرده‌پا، کم‌سواد و دارای زمین‌های زراعی کوچک و پراکنده هستند. تنها یک درصد بهره‌برداران ایران در سال ۱۳۹۳ دارای مدرک فوق‌دیپلم و بالاتر کشاورزی بوده‌اند. وسعت اراضی بالای ۷۰ درصد واحدهای بهره‌برداری کشاورزی کمتر از ۵ هکتار است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). چنین کشاورزانی، قادر به جذب سرمایه‌های کلان نبوده و عمدتاً تسهیلات بانکی را به‌عنوان منبعی برای گریز از خطرات ورشکستگی، تأمین نیازهای سرمایه‌ای حداقل و تأمین مخارج در گردش نهاده‌ها در نظر می‌گیرند نه فرصتی برای سرمایه‌گذاری بزرگ.

۲. **روند کاهش نسبی قیمت محصولات کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌ها (صنعت و خدمات):** بازارهای ناپایدار و دارای نوسانات زیاد به‌همراه رابطه مبادله به نفع بخش‌های صنعت و خدمات و زیان بخش کشاورزی در سطوح داخلی و بین‌المللی، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران را کاهش داده است. بررسی تقاضای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نشان داده است که سرمایه‌گذاری در این بخش نسبت به تغییرات قیمتی محصولات کشاورزی باکاهش می‌باشد (شاکری و موسوی، ۱۳۸۲).

۳. **ناپایداری درآمدی و ریسک بالای فعالیت‌های کشاورزی:** مصطلح است که «طبیعت، بهترین دوست و بزرگ‌ترین دشمن کشاورزی است». ریسک بالای کشاورزی در ایران و جهان، راه‌اندازی بیمه‌های کشاورزی را ضروری ساخته است. ایران یکی از ده کشور بلاخیز دنیا بوده و بخش کشاورزی آن در معرض تعداد زیادی خطرات اقلیمی است. در راستای پایدارسازی درآمدهای کشاورزی و توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی به‌کارگیری حمایت‌های گوناگون از جمله حمایت‌های بیمه‌ای در جهان و ایران الزامی شده است. به همین خاطر، توسعه بیمه کشاورزی به‌عنوان ابزاری کارآمد در زمینه کاهش ریسک فعالیت‌های کشاورزی، مدت‌های مدیدی است که در سطح دنیا به‌کار گرفته شده است. در ایران نیز حدود سه دهه



است که بیمه محصولات کشاورزی با تأسیس «صندوق بیمه کشاورزی» در سال ۱۳۶۳، عملیاتی شده و بر دامنه فعالیت‌های آن روز به روز افزوده شده است.

نتیجه اینکه مبنای توسعه کشاورزی، سرمایه‌گذاری است و سودآوری و امنیت نیز الزامات اولیه برای انجام سرمایه‌گذاری به حساب می‌آیند. انتقال ریسک‌های تولیدی و بازاری از طریق شرکت‌های بیمه، متضمن ایجاد بخشی از امنیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی خواهد بود.

۳-۴. حق بیمه کشاورزی

میزان حق بیمه براساس دو جزء تعیین می‌شود: جزء ریسک (خسارات مورد انتظار) و جزء هزینه (هزینه‌های اجرایی و عملیاتی بیمه). با وجود آنکه تنها منبع درآمدی شرکت‌های بیمه بازرگانی، حق بیمه پرداختی توسط بیمه‌گذاران می‌باشد، اما این موضوع در مورد بیمه‌های کشاورزی صادق نیست. زیرا در کشورهای مختلف، حق بیمه کشاورزی قابل پرداخت به شرکت‌های بیمه کشاورزی به نسبت معین میان کشاورزان (به‌عنوان بیمه‌گذار) و دولت (به‌عنوان حمایت‌کننده) تقسیم خواهد شد. عوامل مؤثر بر تعیین حق بیمه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. عوامل مؤثر بر ریسک‌های بیمه شده. ۲. عوامل مؤثر بر هزینه‌های اجرایی.

در صورتی که در بخش کشاورزی با هر دو گروه از این عوامل با نگاهی کارشناسانه و منطقی برخورد شود، برنامه بیمه کشاورزی با موفقیت همراه خواهد بود. حق بیمه پوشش‌های بیمه‌ای اغلب پایین و نرخ حق بیمه، کمتر از حد لازم است و به‌ندرت مقدار آن با توجه به شرایط ریسک و با استفاده از تجربه تعیین می‌شود. معمولاً «عوامل مدیریتی و سیاسی» در تعیین میزان حق بیمه، تأثیر زیادی دارند. به همین سبب افزایش حق بیمه برای ریسک‌هایی که خسارت زیادی داشته و شرایط آنها پایین‌تر از شرایط ریسک‌های عادی است، دشوار به‌نظر می‌رسد. شواهد و تجارب نشان داده است که رابطه مستقیمی میان فراوانی وقوع ریسک، فراگیری ریسک در یک منطقه، حساسیت محصول به رویدادهای اقلیمی و آفات و بیماری‌ها و تعداد ریسک‌های تحت پوشش با میزان حق بیمه وجود دارد. معمولاً هر قدر تعداد بیمه‌گذاران بیشتر باشند، نرخ حق بیمه کمتری تعیین خواهد شد (دوران‌دیش و نیکوکار، ۱۳۸۷).

به‌طور کلی عوامل مؤثر نرخ حق بیمه کشاورزی عبارتند از (همان):

۱. فراوانی وقوع ریسک از نظر زمانی و مکانی: هر قدر تعداد دفعات وقوع یک خطر در یک

منطقه خاص بیشتر باشد، نرخ حق بیمه نیز بالاتر است.

۲. نوع ریسک: به‌عنوان مثال، نرخ حق بیمه برای تگرگ که یک ریسک محلی است، پایین و

برای خشکسالی که یک ریسک فراگیر در یک منطقه وسیع است، بالا می‌باشد.

۳. **حساسیت محصولات:** نرخ حق بیمه برای محصولات حساس مانند میوه‌ها و سبزی‌ها، بالا و برای محصولات مقاوم‌تر مانند غلات پایین است.

۴. **تعداد ریسک‌های تحت پوشش:** نرخ‌های حق بیمه برای بیمه‌های تک‌خطر، پایین و برای بیمه‌های چندخطر بالا است.

۵. **تعداد بیمه‌گذاران:** هر قدر تعداد بیمه‌گذاران بیشتر باشد، حق بیمه نیز کمتر خواهد بود؛ چراکه ریسک بین تعداد افراد بیشتری توزیع می‌شود.

۶. **سایر مسائل فنی مانند کسورات:** هر قدر کسورات بیشتر باشد، نرخ حق بیمه نیز کمتر خواهد بود.

۷. قدرت نفوذ کشاورزان در نهادهای تصمیم‌گیرنده

از آنجا که افزایش حق بیمه در بخش کشاورزی ممکن است به کاهش تقاضا برای خدمات بیمه منجر شود (به دلیل کشش‌پذیر بودن تقاضای خدمات بیمه‌ای)، لذا سیاست اجرایی در بخش کشاورزی باید بر کاهش حق بیمه و افزایش تعداد متقاضیان خدمات بیمه‌ای (تعداد بیمه‌گذاران) متمرکز باشد. با توجه به توضیحات مزبور، مهمترین راه‌های کاهش نرخ حق بیمه در بخش کشاورزی عبارتند از:

۱. افزایش تعداد بیمه‌گذاران.

۲. کاهش درصد تحقق ریسک‌ها از طریق ارتقای مدیریت پیشگیری از ریسک.

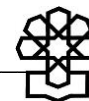
۳. افزایش محصولات تحت پوشش بیمه.

۴-۴. یارانه حق بیمه کشاورزی

عدم تطابق میزان دریافتی‌ها (حق بیمه دریافتی از کشاورزان) و پرداختی‌ها (هزینه‌های جاری و غرامت) در نزد بیمه‌گرهای فعال در بخش کشاورزی باعث شده است که دولت‌ها در چارچوب سیاست‌های حمایتی خود از بخش کشاورزی، مجبور به پرداخت و تزریق یارانه‌ای تحت عنوان «یارانه حق بیمه کشاورزی» به بیمه‌گرهای فعال در بخش کشاورزی شوند. پرداخت یارانه حق بیمه کشاورزی در کنار نقش مثبت در توسعه بیمه در بخش کشاورزی می‌تواند موجب افزایش مخاطرات اخلاقی، انحراف الگوی تولید و تحمیل هزینه‌های سنگین بر بودجه دولتی نیز گردد.

۴-۵. بیمه اتکایی کشاورزی

مطالعات متعدد نشان داده است که به دلیل هزینه‌بر بودن بیمه محصولات کشاورزی در قیاس با درآمدهای مربوط به ارائه خدمات بیمه (حق بیمه) و ریسک بالای فعالیت‌های این بخش، دولت‌ها با قبول پرداخت کمک‌های نقدی، نقش زیادی در عملیاتی شدن بیمه کشاورزی ایفا می‌نمایند. حتی در



آن دسته از کشورها که عملیات بیمه محصولات کشاورزی توسط شرکت‌های بیمه خصوصی انجام می‌شود، باز بیمه محصولات کشاورزی نزد دولت به صورت اتکایی واگذار می‌گردد (بیمه اتکایی)^۱ و در نهایت، پوشش‌دهنده اصلی ریسک‌های موجود در بخش کشاورزی، دولت خواهد بود. به عبارتی دیگر، در اکثر کشورها، توسعه بیمه کشاورزی از طریق مشارکت بخش‌های خصوصی و تعاونی با حمایت بخش دولتی به عنوان «بیمه‌گر اتکایی» محقق شده است. شرکت‌های بیمه‌گر در حوزه کشاورزی، تنها زمانی که حجم خسارات، اندک بوده و دارای توان مالی باشند، می‌توانند از عهده پرداخت خسارات برآمده و عملاً نسبت به پرداخت آن خسارات اقدام نمایند. در بسیاری از مواقع دولت به عنوان بیمه‌گر اتکایی نهایی، بیمه‌گذار و شرکت‌های بیمه را مورد حمایت قرار داده و از یکسو، با پرداخت یارانه به بیمه‌گذار، بخشی از هزینه‌های بیمه‌ای بیمه‌گذار (حق بیمه) را پرداخت می‌نماید و از دیگر سو، در هنگام بروز خسارت، دولت شخصاً به عنوان بیمه‌گر اتکایی، خسارت ایجاد شده را پوشش خواهد داد. بدیهی است برای اینکه بیمه‌گر بتواند بدون حمایت دولت از نظر مالی روی پای خود بایستد، باید میزان متوسط مخارج سالیانه خود (عمرات‌ها + هزینه‌های اجرایی) را از ارزش متوسط حق بیمه‌هایی که از کشاورزان می‌گیرد (درآمدها)، پایین‌تر نگاه دارد (جلالی لواسانی، ۱۳۹۱).

از آنجا که در بیمه اتکایی نمی‌توان اطمینان داشت که مخارج در سطح مشخصی باقی می‌مانند، حمایت دولت از بیمه اتکایی همواره به عنوان یک گزینه در تمامی نظام‌ها و سیستم‌های بیمه‌ای مطرح می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان با حمایت دولت، ریسک‌های بیمه‌ناپذیر را برای بخش خصوصی به ریسک‌های بیمه‌پذیر تبدیل کرد. بررسی‌ها درخصوص بیمه اتکایی کشاورزی نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورهای دنیا، دولت‌ها بیمه‌گران اتکایی شرکت‌های بیمه خصوصی هستند. در موارد اندکی، بیمه‌گران اتکایی بین‌المللی حاضر به پذیرش ریسک «بازارهای کوچک» بیمه کشاورزی هستند و اغلب علاقمند هستند که «بازارهای بزرگ» بیمه مانند بیمه کشاورزی ایالات متحده آمریکا را تحت پوشش قرار دهند (دوراندیش و نیکوکار، ۱۳۸۷).

در مورد نوع بیمه اتکایی فعال در کشورهای مختلف نمی‌توان ساختار یکسانی را مشاهده کرد. در مطالعه‌ای که بانک جهانی در مورد ۶۵ کشور در سال ۲۰۰۸ انجام داده است، مشخص شده است که در ۲۲ درصد از این کشورها بیمه اتکایی کشاورزی هم به وسیله مؤسسات خصوصی و هم توسط دولت‌ها عرضه می‌شود. با این وجود در برخی از این کشورها یعنی ایران، ژاپن، کاستاریکا و قزاقستان، صرفاً بیمه‌های اتکایی دولتی وجود دارند (ماهول و استاتلی، ۱۳۹۳).

طراحی برنامه بیمه اتکایی کشاورزی مناسب، تابع پیچیدگی‌های خاص حاکم بر کشاورزی بوده و مستلزم مهارت و تخصص بالاست. در حال حاضر حدود ۲۰ شرکت بیمه اتکایی در دنیا وجود دارند که

دارای ظرفیت لازم جهت ارائه بیمه اتکایی برای ریسک‌های موجود در بخش کشاورزی هستند. بخش دولتی در بیمه اتکایی کشاورزی از طریق مشارکت دولتی و خصوصی نقش ایفا می‌کند. دولت وقتی که بخش خصوصی نمی‌تواند بیمه اتکایی را با نرخ‌های مناسب ارائه نماید، خود آن را برعهده می‌گیرد. بخش خصوصی ثابت کرده است که نسبت به بخش دولتی در تأمین بیمه اتکایی به‌استثنای پوشش‌های فاجعه‌بار، مقرون به صرفه‌تر می‌باشد. این در حالی است که بخش دولتی می‌تواند از طریق ایجاد صندوق‌های حوادث فاجعه‌بار، پوشش فاجعه‌بار را به‌طور مؤثری ارائه نماید. نقش بیمه‌گران اتکایی در بیمه اتکایی کشاورزی به تأمین ظرفیت بیمه اتکایی برای شرکت‌های بیمه محدود نمی‌شود. بیمه‌گران اتکایی فعال در بیمه کشاورزی به شرکت‌های بیمه در تأمین خدمات مشاوره‌ای برای ارزیابی، مدل‌سازی، قیمت‌گذاری، ساختاردهی ریسک و همچنین طراحی تصفیه خسارت و دستورالعمل‌های عملیاتی، درجه‌بندی ریسک و نرم‌افزارهای کنترل تراکم ریسک و عبارات قراردادهای بیمه کمک می‌کنند. قرارداد بیمه اتکایی مشارکت نسبی و بیمه اتکایی مازاد زیان، مرسوم‌ترین نوع از قراردادهای بیمه اتکایی به حساب می‌آیند (ایتوریوز، ۱۳۹۱).

۵. بیمه کشاورزی و مکانیسم بازار

۵-۱. عرضه و تقاضای خدمات بیمه کشاورزی

بیمه، فعالیتی تجاری و اقتصادی قلمداد می‌شود که تداوم و توسعه آن در یک کشور، نیازمند سودآوری خواهد بود. فعالیت‌های بیمه و شرکت‌های مربوطه همانند تمامی کسب‌وکارهای اقتصادی، دارای دو سمت عرضه خدمات بیمه‌ای و تقاضا برای خدمات بیمه‌ای است. تداوم و توسعه بیمه در بخش کشاورزی نیز تابع قوانین عرضه و تقاضا و سیستم بازار می‌باشد. شکل‌گیری و تداوم فعالیت یک شرکت بیمه کشاورزی همانند سایر شرکت‌های بیمه وابسته به میزان دریافتی‌ها (درآمدها + کمک‌های دولتی) و پرداختی‌ها (غرامت خسارت + هزینه‌های اجرایی و اداری) خواهد بود. بدیهی است در کسب‌وکارهایی که درآمدها کمتر از مخارج می‌باشد و به‌دلیل کشش‌پذیری بالا، امکان افزایش قیمت خدمات و کالاها در بازار وجود نداشته باشد و یا دولت‌ها (بنا بر اهداف و مصلحت‌هایی)، مانعی برای افزایش قیمت کالاها و خدمات آنها باشند، بقای چنین کسب‌وکارهایی به‌طور مستقیم وابسته به کمک‌های دولتی خواهد بود.

درآمد، هزینه و سود (زیان) سه پارامتر اقتصادی تعیین‌کننده وضعیت و کیفیت هر بنگاه اقتصادی هستند. درآمدها، از فروش کالاها و خدمات تولیدی بنگاه حاصل می‌شود؛ هزینه‌ها نیز به تأمین خدمات و نهاده‌های مورد نظر مربوط خواهد شد و بالاخره، سود (زیان)، نتیجه تفاضل مجموع درآمدها و مجموع هزینه‌های بنگاه اقتصادی می‌باشد. تداوم هرگونه فعالیت اقتصادی در «بلندمدت» در هر



نظام اقتصادی (بازار آزاد، متمرکز و مختلط)، نیازمند سودآوری مناسب آن فعالیت اقتصادی است. چراکه وجود سودآوری از یکسو، انگیزه حضور فعالان اقتصادی را در آن فعالیت فراهم می‌آورد و ازسوی دیگر با پوشش هزینه‌های تولید کالاها و خدمات، امکان تداوم آن فعالیت را فراهم می‌نماید. اگرچه این موضوع (ضرورت سودآوری) در «کوتاه‌مدت»، با شرایط خاصی می‌تواند همراه باشد (به‌عنوان مثال: پرداخت بخشی از هزینه‌ها ازسوی نهادهای حمایتی مانند دولت)، اما همچنان می‌تواند صادق و حاکم باشد.

یک فعالیت اقتصادی فرضی از نظر مقایسه هزینه‌ها و درآمدها در «کوتاه‌مدت» می‌تواند یکی از سه وضعیت زیر را داشته باشد:

۱. درآمد کل (TR) < هزینه کل (TC) ← سودآوری (تداوم فعالیت بنگاه اقتصادی)

۲. درآمد کل (TR) = هزینه کل (TC) ← سر به سری (تداوم فعالیت بنگاه اقتصادی)

۳. درآمد کل (TR) > هزینه کل (TC):

۳-۱. درآمد کل (TR) < هزینه متغیر کل (TVC): ← زیان (امکان تداوم فعالیت بنگاه اقتصادی زیان‌ده در کوتاه‌مدت به امید بهبود وضعیت در آینده)

۳-۲. درآمد کل (TR) > هزینه متغیر کل (TVC): ← زیان (تعطیلی فعالیت بنگاه اقتصادی)

در «بلندمدت»، هیچ بنگاه اقتصادی زیان‌دهی نمی‌تواند به فعالیت خود ادامه بدهد. به عبارتی دیگر، در بلندمدت صرفاً آن دسته از بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند به فعالیت خود ادامه بدهند که الزاماً سودآور باشند:

۱. درآمد کل (TR) < هزینه کل (TC) ← سودآوری (تداوم فعالیت بنگاه اقتصادی)

۲. درآمد کل (TR) = هزینه کل (TC) ← سر به سری (تعطیل شدن بنگاه اقتصادی)

۳. درآمد کل (TR) > هزینه کل (TC) ← زیان (تعطیل شدن بنگاه اقتصادی)

توضیحات مزبور هم درخصوص بنگاه‌های اقتصادی تولیدکننده «کالاها» (مانند واحدهای کشاورزی و واحدهای صنعتی) و هم در مورد بنگاه اقتصادی ارائه‌دهنده «خدمات» (مانند مغازه‌ها، مطب پزشکان، دفاتر بیمه، دفاتر وکالت، آموزشگاه‌ها و ...) صادق خواهد بود.

۲-۵. عوامل مؤثر بر درآمد شرکت‌های بیمه کشاورزی

با توجه به رابطه محاسباتی درآمد (قیمت ضربدر مقدار)، میزان درآمد سالیانه در شرکت‌های بیمه کشاورزی تابع دو عامل خواهد بود:

۱. حق بیمه: مقدار حق بیمه برای هر محصول معمولاً توسط دولت تعیین شده و حداقل در طول

یک سال ثابت باقی می‌ماند.

۲. مقدار خدمات بیمه‌ای: حجم خدمات بیمه کشاورزی، تحت تأثیر میزان خطرات، سطح پوشش منطقه و امکانات شرکت‌های بیمه کشاورزی (هزینه‌های اجرایی و ...) خواهد بود. هر اندازه پوشش بیمه، گسترده‌تر باشد، درآمد شرکت‌های بیمه نیز می‌تواند بیشتر باشد. در اینجا تقاضای کشاورزان برای خدمات بیمه‌ای، نقش کلیدی را خواهد داشت.

۳-۵. عوامل مؤثر بر هزینه شرکت‌های بیمه کشاورزی

به‌طور کلی همانند تمامی شرکت‌های بیمه، هزینه‌های سالیانه یک شرکت بیمه کشاورزی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. غرامت: که مقدار آن متغیر بوده و تابع حجم خسارت‌های وارده به بیمه‌گذاران خواهد بود. در سال‌هایی که خطرات بیشتری روی داده و حجم گسترده‌تری از واحدهای کشاورزی بیمه شده را متأثر ساخته است، میزان غرامت پرداختی نیز بیشتر خواهد بود. میزان غرامت پرداختی در یک منطقه یا کشور، رابطه مستقیمی با تنوع و تحقق ریسک‌ها و خطرات در آن منطقه دارد.

۲. مخارج اجرایی بیمه: مهمترین عامل مؤثر بر میزان مخارج و اجرایی بیمه، تعداد پرسنل، اماکن اداری، سطح پوشش بیمه و خدمات مربوطه (کنترل بیمه‌گذاران، ارزیابی خسارات سالیانه و...) خواهد بود.

۴-۵. عوامل مؤثر بر تقاضای خدمات بیمه‌ای از سوی کشاورزان

همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد، یک طرف بازار بیمه کشاورزی، متقاضیان بالقوه و بالفعل خدمات بیمه‌ای یعنی کشاورزان هستند. رفتار کشاورزان در تقاضای خدمات بیمه، همانند دیگر متقاضیان کالاها و خدمات، تابع قانون تقاضا و عوامل مؤثر بر مقدار تقاضا خواهد بود. مهمترین عواملی که در میزان تقاضای کشاورزان برای خدمات بیمه‌ای (بیمه کردن محصولات خود) مؤثر هستند، عبارتند از:

۱. حق بیمه: هر قدر حق بیمه بیشتر باشد، میزان تقاضای خدمات بیمه‌ای نیز کمتر خواهد بود (کاهش تمایل به بیمه کردن محصولات در مقابل خطرات).

۲. درآمد کشاورزان: رابطه مستقیم میان میزان درآمد کشاورزان با تقاضای آنها برای خدمات بیمه‌ای وجود دارد.

۳. اندازه واحد کشاورزی: مطالعات متعدد حاکی از وجود رابطه مستقیم میان اندازه واحد کشاورزی و میزان تمایل و تقاضای کشاورزان برای دریافت خدمات بیمه‌ای است. به همین خاطر، کشاورزان کوچک (که تحقق ریسک‌ها برای آنان سنگین‌تر خواهد بود)، بدون حمایت یارانه‌ای دولت در پرداخت بخشی از حق بیمه، تمایلی برای بیمه کردن محصولات خود ندارند.

براساس مطالعات انجام شده به‌طور کلی عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان برای بیمه کردن



فعالیت‌های خود عبارتند از: سطح سواد، سابقه خطر، میزان بدهی به مؤسسات اعتباری و بانک‌ها، نوسانات میزان محصول تولیدی، حق بیمه، سطح تکنولوژی، سطح زیر کشت، سن، نوع کشاورزی، مالکیت زمین، سابقه فعالیت، آگاهی از منافع بیمه، درآمد سالانه، نگرش نسبت به بیمه، منزلت اجتماعی، مشاغل جانبی، میزان پس‌انداز، یارانه بیمه، درجه ریسک‌گریزی و نسبت غرامت پرداختی.

۵-۵. عوامل مؤثر بر سودآوری فعالیت شرکت‌های بیمه کشاورزی

از آنجا که سودآوری یک فعالیت، تابع سطح دریافتی‌ها و پرداختی‌های آن فعالیت خواهد بود، لذا هر عاملی که باعث افزایش دریافتی‌ها (حق بیمه دریافتی از بیمه‌گذاران + اعتبارات تخصیص دولت) و کاهش پرداختی‌ها (غرامت و مخارج اجرایی) شرکت‌های بیمه کشاورزی گردد، مستقیماً میزان سودآوری آنها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. سودآوری شرکت‌های بیمه، ضامن پایداری و توسعه خدمات بیمه کشاورزی در بلندمدت خواهد بود.

۶. چالش‌های بیمه کشاورزی و الزامات اجرایی

۶-۱. چالش‌های فراروی بیمه کشاورزی

به دلیل مشترک بودن ماهیت فرآیند تولید محصولات در بخش کشاورزی و وابستگی زیاد فرآیند تولید به عوامل و شرایط غیرقابل کنترل، بسیاری از مشکلات بیمه کشاورزی در کشورهای مختلف، مشترک بوده و از شباهت زیادی با هم برخوردار هستند. کشورهای پیشرو در امر بیمه کشاورزی، دارای تجارب ارزنده‌ای برای رفع موانع و چالش‌های فراروی اجرا و توسعه بیمه در کشاورزی هستند که می‌تواند راهنمای مناسبی برای توسعه بیمه کشاورزی و رفع چالش‌های فراروی کنونی و آتی در سایر کشورها از جمله ایران باشد. موانع و چالش‌های فراروی بیمه کشاورزی عمدتاً ناشی از دو ویژگی حاکم بر آن است (سلامی و دوران‌دیش، ۱۳۸۲):

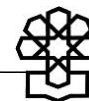
الف) خصوصیات ساختاری مخاطرات در بخش کشاورزی که باعث می‌شود تا ماهیت ریسک کشاورزی از ریسک در سایر فعالیت‌های اقتصادی، متفاوت باشد.

ب) تمایل (و در پاره‌ای موارد) اجبار دولت‌ها برای مداخله در امر بیمه‌گری کشاورزی و نگرش خاص کشاورزان بیمه‌گذار به بیمه کشاورزی.

بررسی تجارب بیمه کشاورزی در کشورهای مختلف، بیانگر نکات و تجارب ارزنده‌ای است (سلامی و دوران‌دیش، ۱۳۸۲):

۱. بیمه کشاورزی به‌عنوان یک ابزار حمایتی مؤثر در مدیریت ریسک کشاورزی در تمامی کشورهای دنیا (در حال توسعه و توسعه‌یافته) پذیرفته و به‌کار گرفته شده است.

۲. اجرای بیمه کشاورزی در تمامی کشورها (با وجود تفاوت در شیوه و اجرا) از حمایت‌های مالی دولت‌ها برخوردار است.
۳. در برخی از کشورهای توسعه‌یافته به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، نرخ حق بیمه و میزان حمایت مالی دولت از بیمه کشاورزی نه صرفاً بر مبنای اصول بیمه‌گری، بلکه بر اساس فشار گروه‌های لابی و در معادلات سیاسی تعیین می‌شود.
۴. بیمه کشاورزی در قالب سنتی آن، معمولاً چندین خطر را با هم زیر پوشش قرار می‌دهد و در هیچ کشوری به‌عنوان «یک فعالیت بیمه‌ای سودآور» تعریف نشده و اجرایی نگردیده است. مقادیر نسبت زیان (LR) در مورد بیمه محصولات کشاورزی برای تمامی کشورها بیشتر از یک است. تلاش برخی از کشورهای توسعه‌یافته نظیر ایالات متحده آمریکا نیز صرفاً برای نزدیک کردن این نسبت به عدد یک بوده است نه کاهش آن به کمتر از یک.
۵. تجاربی وجود ندارد که بیمه کشاورزی، تمامی زمین‌های قابل کشت یک کشور را زیر پوشش قرار داده باشد. سطح پوشش بیمه زمین‌های کشاورزی از ۱۰ تا ۵۰ درصد متفاوت است.
۶. تجربه‌ای مبنی بر بیمه کردن «تمام محصولات زراعی، باغی و دامی» وجود ندارد. دو معیار انتخاب محصولات زیر پوشش بیمه عبارتند از: «اهمیت در اقتصاد» و «اهمیت در امنیت غذایی». تعداد خطرات زیر پوشش نیز محدود است.
۷. در کشورهای توسعه‌یافته به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، بیمه کشاورزی از یک ابزار صرف مدیریت ریسک، خارج شده و به‌عنوان ابزاری برای انتقال حمایت‌های مالی حذف شده در موافقتنامه دور اروگوئه در بخش استفاده می‌گردد.
۸. بیمه کشاورزی از بیمه تک‌خطر به بیمه چندخطر، از بیمه تولید (عملکرد) به بیمه درآمدی و از بیمه بر مبنای عملکرد فردی به بیمه بر مبنای عملکرد منطقه در حال انتقال و توسعه است.
۹. بخش خصوصی در ارائه خدمات بیمه کشاورزی در کشورهای اروپایی و ایالات متحده فعال است.
۱۰. در بسیاری از کشورها، دولت به‌عنوان بیمه اتکایی برای بیمه‌گران کشاورزی عمل می‌کند. کار بیمه اتکایی تنها توسط تعداد اندکی بیمه‌گر خصوصی (آن هم تحت شرایط خاص) انجام می‌شود.
۱۱. در تمامی کشورها، مشکل مخاطرات اخلاقی و انتخاب نامناسب در خصوص بیمه کشاورزی وجود دارد.
۱۲. آن دسته از بیمه‌های کشاورزی با مشکلات کمتری از لحاظ مخاطرات اخلاقی، انتخاب نامناسب و عملکرد مالی مواجه هستند که از اطلاعات کامل بلندمدتی در خصوص شرایط آب‌وهوا، عملکرد، الگوی کشت مناطق تحت پوشش و فعالیت‌های تولیدی بیمه‌گذاران برخوردار هستند. پراکندگی جغرافیایی تولیدات و فعالیت‌های کشاورزی باعث شده است که هزینه‌های اداری و



عملیاتی ارائه خدمات بیمه به بخش کشاورزی در قیاس با دیگر فعالیت‌ها بیشتر باشد. این امر موجب تفاوت زیاد هزینه‌های بیمه کشاورزی با دیگر بیمه‌ها گردیده است. تولید در بخش کشاورزی توسط سازوکار و فرآیندهای پیچیده بیولوژیک انجام می‌شود. به همین خاطر برخلاف تولیدات صنعتی و خدماتی، روابط علیت (علت- معلولی) در فعالیت‌های کشاورزی به سرعت قابل مشاهده نمی‌باشد. تمامی متغیرهای اثرگذار در بخش کشاورزی، قابل بیمه شدن نیستند و این موضوع که «بیمه‌گر باید بتواند رابطه موجود در بین خسارت قابل بیمه شدن و علت خسارت را اثبات نماید» در بخش کشاورزی با مشکلات زیادی همراه است.

۲-۶. الزامات موفقیت در اجرای بیمه کشاورزی

تعدد طرف‌های درگیر در بیمه کشاورزی (دولت، بیمه‌گذاران، بیمه‌گران و قانونگذاران) باعث شده است که اجرای موفق برنامه‌های مورد نظر و دستیابی به اهداف مدون در بیمه کشاورزی به سهولت میسر نباشد. اجرای موفقیت‌آمیز یک برنامه بیمه کشاورزی، الزاماتی دارد که مهمترین آن عبارتند از:

۱. شناسایی نیازهای بیمه‌ای کشاورزان.
۲. وجود اطلاعات مربوط به هر کدام از خطرات به تفکیک محصول و منطقه.
۳. سوابق خسارت دیدگی کشاورزان.
۴. تعریف دقیق منابع درآمدی شرکت‌های بیمه.
۵. تعیین درست حق بیمه.
۶. هماهنگی میان نهادهای قانونگذار و مجری.
۷. حاکمیت دیدگاه سیستماتیک به جای دیدگاه انتزاعی در برنامه‌ریزی.
۸. پرداخت به موقع یارانه پرداختی حق بیمه توسط دولت.

۷. خصوصی سازی بیمه کشاورزی

۱-۷. بیمه کشاورزی: بنگاه اقتصادی یا نهاد حمایتی؟

بررسی تجارب کشورهای مختلف نشان داده است که بیمه کشاورزی بدون حمایت دولت نمی‌تواند به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی هم به ارائه خدمات بیمه‌ای در راستای توسعه کشاورزی بپردازد و هم از سودآوری لازم برای بقا و توسعه در آینده برخوردار باشد. بنابراین، بیمه کشاورزی، نمی‌تواند براساس نظام بازار آزاد به‌صورت یک بنگاه اقتصادی سودآور (همانند بیمه‌های فعال در صنعت و خدمات) به فعالیت خود در بلندمدت ادامه بدهد. به همین خاطر باید آن را به‌عنوان یک نهاد حمایتی، تعریف نموده که از کمک‌های سالیانه بخش دولتی برخوردار می‌باشد.

۷-۲. خصوصی سازی بیمه کشاورزی و اهداف آن

بیمه محصولات کشاورزی در بسیاری از کشورها برای بخش خصوصی بیمه به دلیل دامنه زیاد خسارات وارده، عدم اجرای دقیق عملیات بیمه‌ای و گستردگی موارد پوشش از جذابیت لازم برخوردار نمی‌باشد. به همین خاطر از سوی دولت‌ها، تمهیداتی برای تشویق بخش خصوصی بیمه برای حضور در بخش کشاورزی اندیشیده شده است (جلالی لواسانی، ۱۳۹۱). دو هدف عمده از خصوصی کردن بیمه کشاورزی از دیدگاه برنامه‌ریزان عبارتند از: کاهش فشار هزینه بر بودجه دولتی و توسعه کارآمد خدمات بیمه‌ای. تجارب کشورها نشان داده است که اگرچه هدف اول با خصوصی سازی بیمه کشاورزی محقق می‌شود، اما تحقق هدف دوم، به دلیل عدم امکان حاکمیت شرایط بازار آزاد (عرضه و تقاضا)، غیرممکن خواهد شد. به همین خاطر، در هیچ کشوری نمی‌توان شاهد بیمه خصوصی کشاورزی بدون پشتیبانی بخش دولتی بود. اجرای مدل بیمه دولتی- خصوصی در بخش کشاورزی، در برخی از کشورها به صورت موردی در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.^۱

۷-۳. دیدگاه بخش خصوصی در مورد بیمه کشاورزی

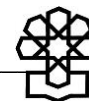
صنعت بیمه با قدمتی بیش از ۲۰۰ سال، تنها در چند دهه اخیر، آن هم توسط تعدادی مؤسسات کوچک و متوسط به حضور در بخش کشاورزی (آن هم تنها قسمتی از فعالیت‌های آن) علاقمند شده است. دو دلیل عمده عدم علاقمندی بیمه خصوصی برای حضور در بخش کشاورزی عبارتند از (ایثاری، ۱۳۸۰):

الف) بازده پایین بیمه در بخش کشاورزی به دلیل تواتر و شدت همزمان خسارات ناشی از زیاد بودن خطرات در فعالیت‌های کشاورزی. به عنوان مثال در کشور هندوستان رقم خسارت ۱۵ درصد کل محصول کشاورزی تخمین زده شده است که با احتساب ۵ درصد هزینه‌های اداری به رقم ۲۰ درصدی خواهد رسید که باید برای پرداخت خسارت و اداره بیمه در کشاورزی از سوی شرکت‌های بیمه خصوصی پرداخت گردد. این رقم به هیچ وجه قابل قیاس با نرخ بیمه صنعتی نبوده و آشکارا بیانگر سودآوری پایین بیمه کشاورزی خواهد بود.

ب) ساختار خاص حاکم بر بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته: مهمترین موانع ساختاری فراروی بیمه خصوصی در بخش کشاورزی از «منظر کلان» عبارتند از:

۱. فقدان آمار برای مدت زمان قابل قبول (بیش از ده سال) در بخش کشاورزی.
۲. روش‌های مختلف کاشت، داشت و برداشت برای محصولات کشاورزی و فقدان استانداردهای تعریف شده و مطلوب.

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در زمینه خصوصی سازی بیمه کشاورزی در سایر کشورها به مطالعه دوراندیش و نیکوکار، ۱۳۸۷ تحت عنوان «مطالعات تطبیقی نظام‌های بیمه کشاورزی در سایر کشورها» مراجعه کنید.



۳. عدم امکان شناسایی دقیق محدوده ریسک از نظر موقعیت زمین و کشت در کشاورزی.
 ۴. فقر مالی و دانش پایین کشاورزان برای کاهش ضریب ریسک و انجام وظایف خود.
 ۵. محدودیت بودجه دولتی تخصیصی به بخش کشاورزی.
 ۶. ضعف فرهنگ بیمه در میان کشاورزان.
- برخی از موانع نیز از منظرهای «تکنولوژی بیمه» و «پشتوانه مالی» برای حضور بیمه خصوصی در کشاورزی وجود دارند:
۷. افزایش تواتر فاجعه‌های طبیعی و کاهش قدرت بیمه‌گران اتکایی برای پذیرش ریسک‌های موجود در کشاورزی.
 ۸. کاهش اعتبار مالی بیمه‌گران اتکایی به دلیل پرداخت بخش زیادی از ذخایر یک قرن اخیر خود در چند سال اخیر.
 ۹. کاهش تمایل بیمه‌گران اتکایی برای پذیرش «بیمه‌نامه‌های تمام‌خطر» که در کشاورزی مرسوم‌تر هستند.
 ۱۰. نیازمندی بیشتر بیمه‌های کشاورزی به متخصصان کارآمد در مراحل مختلف کاشت، داشت و برداشت در قیاس با بیمه‌های صنعتی و تأثیر بازدارنده آن در استمرار فعالیت بیمه‌های خصوصی در بخش کشاورزی.
- کشاورزان در تمامی کشورهای دنیا علاقمند به «بیمه تمام‌خطر کشاورزی» هستند. در کشورهای برزیل، کانادا، فیلیپین، هندوستان، ژاپن، سریلانکا و ایالات متحده آمریکا، بیمه تمام‌خطر کشاورزی، گسترش زیادی داشته است. در بیمه تمام‌خطر کشاورزی، معمولاً خسارت ناشی از ریسک‌های طبیعی و تکنولوژیکی و بخشی از ریسک‌های اجتماعی پوشش داده می‌شود. مؤسسات بازرگانی برای کاهش ریسک‌های اخلاقی (عدم انجام وظایف توسط کشاورزان) و سودآوری خود چهار ویژگی برای بیمه‌های کشاورزی در نظر می‌گیرند (همان):
۱. بیمه‌نامه با نام.
 ۲. بیمه خطرات خاص.
 ۳. عدم وجود یارانه برای بیمه.
 ۴. اختیاری بودن بیمه.
- مطالعات نشان داده است که بیمه تمام‌خطر معمولاً به بخش‌های خاصی از فعالیت‌های کشاورزی (باغ‌های تجاری، کشت‌های گلخانه‌ای و پرورش طیور) تعلق می‌گیرد که دارای سیستم‌های پیشرفته مکانیزه بوده و فعالیت‌های معیشتی و سنتی را شامل نمی‌شود. آن بخش از فعالیت‌های سنتی کشاورزی نیز که به سمت صنعتی و تجاری شدن روی می‌آورند، مطلوب بیمه‌گران خصوصی می‌باشد.

در نمودار ۴ عوامل مؤثر بر عملیات بیمه‌گری در بخش کشاورزی نشان داده شده است.

نمودار ۴. عوامل مؤثر بر عملیات بیمه‌گری در بخش کشاورزی با توجه به نقش دولت

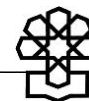


مأخذ: جلالی لواسانی، ۱۳۹۱.

بنابراین، بخش خصوصی برای ارائه خدمات بیمه کشاورزی هم با محدودیت‌هایی روبرو است و هم تحقق یکسری پیش‌شرط‌ها را در بخش کشاورزی برای حضور خود لازم می‌داند.

۸. ارزیابی بیمه کشاورزی

برای ارزیابی عملکرد بیمه کشاورزی همانند سایر بیمه‌ها از شاخص‌های متعددی نظیر ضریب نفوذ بیمه کشاورزی، نسبت مخارج اجرایی به حق بیمه دریافتی، نسبت غرامت به حق بیمه دریافتی و نسبت هیزل (که عملاً پوشش‌دهنده دو نسبت اخیر می‌باشد) استفاده خواهد شد.



۸-۱. ضریب نفوذ بیمه کشاورزی

ضریب نفوذ بیمه^۱ در یک کشور، بیانگر درصد سهم صنعت بیمه از تولید ناخالص داخلی بوده و یک شاخص اقتصادی کمی (مقداری) قلمداد می‌شود. این شاخص که بیانگر درصد نسبت حق بیمه تولیدی به تولید ناخالص یک کشور است، می‌تواند بیانگر ارتباط مأنوس یا غیرمأنوس فعالیت صنعت بیمه با اقتصاد یک کشور باشد. همچنین می‌توان آن را از یکسو به‌عنوان یکی از شاخص‌های رفاه اجتماعی قلمداد کرد و از دیگر سو، آن را نمادی برای رشد و رونق بیمه در یک کشور دانست. رابطه محاسباتی ضریب نفوذ بیمه برای بخش کشاورزی به‌صورت ذیل خواهد بود:

$$IP = \frac{\text{جمع حق بیمه‌های صادره برای کشاورزی}}{\text{ارزش‌افزوده بخش کشاورزی}} \times 100$$

(ضریب نفوذ بیمه کشاورزی)

میزان ضریب نفوذ بیمه با سطح توسعه‌یافتگی کشورها و سیاست‌های حمایتی آنها از بیمه در بخش کشاورزی ارتباط مستقیمی دارد. به دیگر سخن، هر قدر یک کشور از درآمد بالایی برخوردار بوده و در حمایت از بخش کشاورزی خود جدی‌تر باشد، آن کشور از ضریب نفوذ بیمه بیشتری در بخش کشاورزی برخوردار می‌باشد. مطالعه‌ای که بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ در مورد ۶۵ کشور دارای بیمه‌های کشاورزی انجام داده است، این واقعیت را تأیید می‌نماید. شایان ذکر است که از میان ۶۵ کشور منتخب، ۲۱ کشور دارای درآمد بالا، ۱۸ کشور دارای درآمد بالایی متوسط، ۲۰ کشور دارای درآمد پایین متوسط و ۶ کشور دارای درآمد پایین بوده‌اند. مقدار ضریب نفوذ بیمه هر کدام از چهار گروه کشورهای مزبور در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. حق بیمه برآوردی و ضریب نفوذ بیمه کشاورزی در کشورهای منتخب

براساس سطح توسعه در سال ۲۰۰۷

ضریب نفوذ بیمه کشاورزی (درصد)	سهم در حق بیمه‌های کشاورزی	حق بیمه برآوردی (میلیون دلار)			تعداد کشور	سطح توسعه
		کل کشاورزی	دام‌ها	محصولات کشاورزی		
۲/۳	۸۶/۵	۱۳۰۶۱/۳	۱۱۹۲/۳	۱۱۸۶۹	۲۱	درآمد بالا
۰/۳	۶	۹۱۲/۷	۴۰/۱	۸۷۲/۶	۱۸	بالای درآمد متوسط
۰/۲	۷/۴	۱۱۲۳/۵	۳۳۴/۱	۷۸۹/۳	۲۰	پایین درآمد متوسط
ناچیز	ناچیز	۵	۴/۸	۰/۲	۶	درآمد پایین
۰/۹	۱۰۰	۱۵۱۰۲/۴	۱۵۷۱/۴	۱۳۵۳۱	۶۵	تمام کشورها

مأخذ: ماهول و استاتلی، ۱۳۹۳.

ملاحظه می‌شود که بالاترین ضریب نفوذ بیمه کشاورزی مربوط به کشورهای دارای درآمد بالاست و دلیل اصلی آن را باید به حجم بالای حمایت یارانه‌ای دولت‌ها از حق بیمه کشاورزی در این کشورها دانست. ضریب نفوذ بیمه کشاورزی در سال ۲۰۰۷ در کشورهای ایالات متحده آمریکا، کانادا، ژاپن و اسپانیا به ترتیب برابر ۵/۲، ۴/۱، ۱/۸ و ۱/۶ درصد بوده است. بالاترین ضریب نفوذ بیمه کشاورزی در میان کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط، به آرژانتین اختصاص دارد (۰/۹۹ درصد). کشور مائوریتس نیز در میان کشورهای با درآمد کمتر از متوسط، دارای بالاترین ضریب نفوذ بیمه کشاورزی (۰/۹ درصد) بوده است. ضریب نفوذ بیمه کشاورزی در کشورهای کم‌درآمد، بسیار پایین است؛ به گونه‌ای که مقدار آن در هیچ‌کدام از کشورهای کم‌درآمد، بیش از ۰/۰۲ درصد نبوده است (ماهول و استاتلی، ۱۳۹۳).

با توجه به رابطه محاسباتی ضریب نفوذ بیمه کشاورزی باید توجه داشت که در برخی از کشورها نظیر برزیل، هندوستان و چین با وجود حمایت یارانه‌ای گسترده دولت از حق بیمه پرداختی، به دلیل حجم عظیم ارزش‌افزوده کشاورزی در این کشورها، مقدار ضریب نفوذ بیمه کشاورزی، پایین نشان داده می‌شود (برزیل: ۰/۱۱ درصد، هندوستان: ۰/۰۷ درصد و چین: ۰/۲ درصد).

حدود ۹۰ درصد کل حق بیمه‌های کشاورزی جهان در کشورهای پردرآمد تولید می‌گردد. ضریب نفوذ بیمه‌های کشاورزی در تمامی گروه کشورهای طبقه‌بندی شده براساس سطح توسعه، پایین‌تر از ضریب نفوذ بیمه‌های غیرزندگی می‌باشد. این فاصله با افزایش سطح توسعه‌یافتگی کشورها، کاهش پیدا می‌کند (همان).

۲-۸. نسبت هیزل

نسبت هیزل، عبارت است از حاصلجمع غرامت پرداختی و هزینه‌های اداری (اجرایی) تقسیم بر مجموع حق بیمه‌ها. معمولاً نسبت هیزل برای تمام کشورها، بزرگ‌تر از یک است. یعنی سیستم بیمه از نظر مالی پایدار نبوده و برای ادامه فعالیت خود «نیازمند تأمین مالی از خارج از سیستم بیمه» است. نسبت هیزل بزرگ‌تر از یک و به‌ویژه بزرگ‌تر از دو به معنای ناکارایی اقتصادی ابزارهای بیمه بوده و چنین برنامه‌های بیمه‌ای به‌صورت یک کانال اضافی برای تأمین منابع مالی کشاورزان در آمده‌اند (دوراندیش و نیکوکار، ۱۳۸۷).

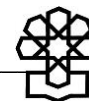
نسبت هیزل (HR) چنین محاسبه می‌شود:

$$HR = \frac{A + I}{P}$$

I: غرامت (Idemnity)

P: حق بیمه (Premuim)

A: هزینه‌های اجرایی (Administrative Costs)



برای آنکه یک شرکت بیمه‌گر بتواند به فعالیت خود ادامه بدهد، باید مقدار HR آن کوچک‌تر از واحد باشد تا از نظر مالی قادر به ادامه کار بوده و در آینده نیز بتواند فعالیت‌های بیمه‌ای پایدار را ارائه کند. تجارب مطالعاتی در کشورهای مختلف، بیانگر آن است که در زمینه محصولات زراعی و دامی، مقدار HR، همواره بزرگ‌تر از یک می‌باشد (زیان‌دهی). بدیهی است که با چنین شرایطی بدون حمایت دولت، بیمه‌گران نمی‌توانند به فعالیت خود ادامه بدهند و حمایت دولتی گریزناپذیر خواهد بود. به‌عنوان مثال در کشور برزیل در سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۰ به‌ازای هر یک دلار حق بیمه دریافت شده، ۳/۸۵ دلار خسارت توسط شرکت‌های بیمه‌ای پرداخت شده است. تجربه کشورهای کاستاریکا و مکزیک نیز مشابه برزیل بوده است (جلالی لواسانی، ۱۳۹۱: ۷).

۹. عوامل مؤثر بر توسعه بیمه کشاورزی

برای آگاهی از عوامل مؤثر بر رشد و گسترش بیمه محصولات کشاورزی در بخش کشاورزی، لازم است که همزمان به عوامل مؤثر و موانع فراروی توسعه عرضه خدمات بیمه کشاورزی (سمت عرضه خدمات بیمه) و عوامل مؤثر و موانع فراروی توسعه تقاضای خدمات بیمه کشاورزی توسط کشاورزان (سمت تقاضای خدمات بیمه) توجه لازم صورت پذیرد. با این وصف، مهمترین عوامل ایجابی که در سطح کلان می‌توانند بر توسعه بیمه محصولات کشاورزی در یک کشور مؤثر باشند، عبارتند از:

۱. رشد تولیدات بخش کشاورزی.
۲. افزایش ارزش دارایی‌های کشاورزی.
۳. توسعه بازارهای جدید برای بیمه کشاورزی.
۴. حمایت‌های مالی و سیاستی دولت از بیمه کشاورزی.
۵. معرفی مناسب کارکردهای بیمه در بخش کشاورزی.

۱۰. نقش بیمه در توسعه کشاورزی

کشاورزانی که در معرض تهدیدها و خطرات اقلیمی و غیراقلیمی گوناگونی قرار دارند، همواره در شرایط ترس و اضطراب به فعالیت کشاورزی خود می‌پردازد. معمولاً از ترویج بیمه در محیط روستایی و کشاورزی، اهداف متعالی خاصی پیگیری می‌شود. کشورهای توسعه‌یافته از گذشته دور، به‌دنبال بهره‌مندی از منافع بیمه محصولات کشاورزی بوده‌اند. «امنیت اقتصادی» به‌عنوان مهمترین دستاورد بیمه فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه فعالیت‌های کشاورزی به‌حساب می‌آید. مهمترین اهداف توسعه و ترویج بیمه در بخش کشاورزی را می‌توان چنین برشمرد (خالدی، ۱۳۹۳):

۱. ایجاد شرایط لازم برای جذب سرمایه در بخش کشاورزی.

۲. تأمین عدالت اجتماعی در سطح جامعه.

۳. مقابله با فقر و آسیب‌پذیری روستائیان.

۴. ثبات درآمدی کشاورزان کوچک و متوسط.

۵. کمک به ایجاد شرایط توسعه پایدار کشاورزان.

فقدان بیمه محصولات کشاورزی و پایین بودن میزان امنیت مالی در فرآیند تصمیم‌گیری کشاورزان، تأثیر فراوانی داشته و باعث می‌شود که اتخاذ تصمیمات آنها از لحاظ اقتصادی، براساس روش‌های علمی موجود نظیر توابع تولید نباشد. در نتیجه، منابع و عوامل تولید همواره برای تولید بهینه محصولات کشاورزی تخصیص پیدا نمی‌کنند. به‌کارگیری بیمه در بخش کشاورزی می‌تواند بسیاری از تصمیم‌های اقتصادی نادرست را در حوزه تولید پایان ببخشد. کارکردهای بیمه محصولات کشاورزی (زرعی، باغی، دریایی و دامی) را در توسعه کشاورزی می‌توان چنین برشمرد (همان):

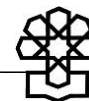
الف) ایجاد امنیت برای تولید در بخش کشاورزی: با توجه به ریسک بالای بخش کشاورزی در قیاس با سایر بخش‌های اقتصادی، کشاورزان با بیمه کردن فعالیت‌های خود در مقابل خطرات تا حدودی امنیت لازم را فراهم خواهند ساخت.

ب) افزایش توان محاسباتی و برنامه‌ریزی: کشاورزان در راستای جلوگیری از نوسان‌های درآمدی و به‌کار بردن مدیریت ریسک، وادار به کسب آموزش و آگاهی از شیوه‌های مختلف حسابداری و برنامه‌ریزی خواهند شد.

ج) بهره‌مندی از نظارت مداوم کارشناسان بیمه: نظارت مداوم کارشناسان بیمه بر شیوه تولید و تشویق کشاورزان به استفاده از شیوه‌های صحیح مدیریتی و رعایت مقررات فنی و بهداشتی تولید باعث کاهش خطرات و ارتقای سطح آگاهی کشاورزان خواهد شد.

د) کمک به کاهش یا رفع آسیب‌پذیری روستائیان: خطرات اقلیمی و غیراقلیمی به‌عنوان تهدیدکنندگان فعالیت‌های اقتصادی روستائیان و در نتیجه، یکی از مهمترین عوامل شکل‌گیری فقر و محرومیت در مناطق روستایی هستند. بیمه فعالیت‌های اقتصادی روستایی، کمک فراوانی به کاهش یا رفع آسیب‌پذیری روستائیان خواهد کرد.

ه) تأمین امنیت سرمایه‌گذاری خصوصی در کشاورزی: ممکن است که صاحبان سرمایه در خارج از بخش کشاورزی، علاقه زیادی به انجام سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی داشته باشند؛ اما به‌دلایل وجود خطرات فراوان به‌ویژه خطرات اقلیمی، انگیزه و جرئت لازم را برای چنین سرمایه‌گذاری‌هایی نداشته باشند. با توجه به رابطه معکوس میان میزان خطر (ریسک) و سرمایه‌گذاری، توسعه بیمه فعالیت‌های کشاورزی می‌تواند انگیزه‌های لازم را برای حضور سرمایه‌گذاران



خصوصی در بخش کشاورزی افزایش دهد.

و) کاهش یا قطع کمک‌های بلاعوض دولت به کشاورزان: دولت براساس وظایف ذاتی و قانونی خود موظف به حمایت مالی از فعالیت‌های اقتصادی است که دچار بحران و زیان ناشی از ناملایمات طبیعی شده‌اند. پرداخت خسارات و کمک‌های مشروط و بلاعوض، بار مالی سنگینی بر بودجه دولت باقی خواهد گذاشت. چه بسا در پاره‌ای موارد به دلیل گستردگی بالای خسارات (نظیر خشکسالی بلندمدت و گسترده)، جبران آن برای دولت مقدور نباشد. توسعه بیمه در بخش کشاورزی باعث می‌شود که میزان کمک‌های بلاعوض دولت در قبال پیامدهای مخرب خطرات اقلیمی مانند خشکسالی، سیل و... کاهش یا حذف گردد.

ز) حذف محصولات کشاورزی غیراقتصادی: توسعه بیمه در بخش کشاورزی باعث می‌شود که کشاورزان از مرحله تولید معیشتی عبور کرده و به تدریج به مرحله تولید تجاری (به‌عنوان کاراترین مرحله تولید) وارد گردند. در این راستا، حذف تولید آن دسته از محصولات کشاورزی که دارای ارزش اقتصادی چندانی نیستند و جایگزینی آنها با محصولات اقتصادی‌تر و دارای بهره‌وری بالاتر، به‌عنوان یکی از الزامات نهادینه شدن بیمه و گسترش آن در بخش کشاورزی محسوب می‌شود. بنابراین بیمه محصولات کشاورزی، باعث امنیت شغلی و درآمدی کشاورزان شده و می‌تواند ابزاری مؤثر برای انتقال از کشاورزی معیشتی به کشاورزی مختلط و تجاری باشد.

۱۱. دولت‌ها و بیمه کشاورزی

۱۱-۱. ضرورت‌های حمایت دولت از بخش کشاورزی

در بخش کشاورزی کمبودها و مشکلات متعدد بازاری و غیربازاری زیادی وجود دارند که حمایت دولت‌ها را از بخش کشاورزی ضروری می‌سازد. این موضوع در مورد بیمه کشاورزی بسیار پررنگ‌تر می‌باشد. از این‌رو، دولت‌ها مجبور هستند که کمبودها و مشکلات موجود در زمینه بیمه را به‌منظور کمک به کشاورزان شناسایی کرده و نسبت به مدیریت خطرات بالقوه و بالفعل از طریق به‌کارگیری ابزارهای مالی مؤثر هزینه‌ای نظیر بیمه اقدام نمایند. مهمترین دلایلی که حمایت دولت‌ها را از بیمه کشاورزی ضروری ساخته است، عبارتند از (ماهول و استاتلی، ۱۳۹۳):

۱. وجود خطرات سیستماتیک (خطراتی که بر مقدار زیادی از واحدهای اقتصادی دامی و کشاورزی به‌صورت همزمان اثرگذار می‌باشند): به‌عنوان مثال، هیچ بیمه‌گر اتکایی خصوصی و یا گروهی از بیمه‌گران اتکایی، ظرفیت پوشش خسارات سنگینی مانند خشکسالی گسترده را ندارد.
۲. عدم تقارن اطلاعات: انتخاب نامساعد و مخاطرات اخلاقی، به‌طور ضمنی نتیجه مشکلات مرتبط با اندازه‌گیری خطرات و نظارت بر رفتار کشاورزان هستند و انجام این دو مهم، از عهده بخش

خصوصی خارج است.

۳. طرح‌های امدادی پس از فاجعه: کمک‌های پس از فجایع طبیعی از سوی سازمان‌ها و کشورهای ثالث موجب دلسردی شرکت‌های بیمه برای ورود به بخش کشاورزی می‌گردد.
۴. محدودیت دسترسی به بازارهای بیمه اتکایی بین‌المللی.
۵. ضعف یا فقدان حمایت‌های زیرساختی برای فروش بیمه‌های کشاورزی (نظیر بانک‌های اطلاعاتی آب‌وهوایی، کشاورزی و مدل‌های خطر محصولات کشاورزی)
۶. کم‌اطلاعی کشاورزان از خطرات: کشاورزان بیشتر به تخمین پایین‌تر رویدادهای فرارو در قیاس با رویدادهای گذشته تمایل دارند. این دولت‌ها هستند که باید از طریق ارائه برنامه‌های آموزشی، طرح‌های بازاریابی حمایتی و بهبود بیمه‌های خصوصی تجاری در این زمینه، نقش بازی نمایند.
۷. فقدان فرهنگ بیمه: این موضوع نقش زیادی در تقاضای پایین کشاورزان برای بیمه‌های کشاورزی داشته و می‌تواند در عدم سودآوری فعالیت بیمه‌های خصوصی در کشاورزی مؤثر باشد.
۸. خلأهای قانونی در مورد بیمه در برخی از کشورهای کم‌درآمد و دارای درآمد متوسط.

۲-۱۱. نقش بخش دولتی در بیمه کشاورزی

می‌دانیم تمامی فعالیت‌های بیمه‌ای از جمله بیمه کشاورزی، نوعی فعالیت تجاری به حساب می‌آیند. اما شرایط حاکم بر بخش کشاورزی باعث می‌شود که امکان دقیق و کامل اجرای بیمه در این بخش به دلیل عدم تطابق درآمدها و مخارج شرکت‌های بیمه‌ای وجود نداشته باشد. در کنار این امر، بخش کشاورزی به دلیل نقش ارزشمند آن در حفظ اشتغال، امنیت غذایی، رشد اقتصادی و... برای دولت‌ها از اهمیت زیادی برخوردار بوده و توسعه آن را در سرلوحه اهداف خود قرار داده‌اند. خلأ فقدان بیمه بخش خصوصی، حضور بخش دولتی را در بازار بیمه کشاورزی گریزناپذیر ساخته است. بخش خصوصی عمدتاً پوشش بیمه با حق بیمه‌ای که فراتر از توان مالی تولیدکننده کوچک است، را ارائه می‌کند. بخش دولتی برای مداخله در بازار بیمه کشاورزی ممکن است که رویکردهای مختلفی را به کار بگیرد. طبق مطالعات بانک جهانی در مورد میزان مداخله دولت در بیمه کشاورزی که در ۶۵ کشور انجام شده است، رایج‌ترین مکانسیم‌ها برای مشارکت بخش دولتی در بازارهای بیمه کشاورزی عبارتند از (ایتوریوز، ۱۳۹۱):

الف) یارانه حق بیمه

براساس نتایج مطالعات انجام شده، رایج‌ترین نوع حمایت بخش دولتی از بیمه کشاورزی، یارانه حق بیمه می‌باشد. یارانه حق بیمه را ۶۵ درصد کشورهای مورد مطالعه بانک جهانی در سال ۲۰۰۸، برای حمایت از بیمه محصولات زراعی و ۳۵ درصد از کشورها نیز آن را برای حمایت از بیمه دام و طیور به کار گرفته‌اند.



ب) سرمایه‌گذاری در تحقیقات، کارآموزی و جمع‌آوری اطلاعات

بخشی از کشورهای دنیا حمایت خود را از بیمه کشاورزی به صورت سرمایه‌گذاری در امر تحقیق، آموزش و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای اجرای بیمه کشاورزی و محاسبه میزان خسارت، غرامت و... عملیاتی کرده‌اند.

ج) قانونگذاری بیمه کشاورزی

براساس مطالعات انجام شده، توسعه قانونگذاری ویژه بیمه کشاورزی، یکی از مهمترین شکل‌های حمایت از بیمه کشاورزی است. قانونگذاری ویژه برای بیمه محصولات زراعی و باغی به ترتیب در ۵۱ درصد و ۳۱ درصد کشورهای مورد مطالعه بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ مشاهده شده است.

د) بیمه اتکایی بخش دولتی

بیمه اتکایی دولتی برای محصولات زراعی و دامی به ترتیب در ۳۲ درصد و ۲۶ درصد کشورهای مورد مطالعه مشاهده شده است.

ه) یارانه هزینه‌های اجرایی

براساس مطالعات بانک جهانی، حمایت دولتی از طریق پرداخت یارانه به هزینه‌های اداری برای بیمه دام و محصولات زراعی کمتر مرسوم بوده و تنها ۱۶ و ۱۱ درصد کشورهای مورد مطالعه، یارانه هزینه‌های اداری به ترتیب برای اجرای بیمه‌های دام و محصولات زراعی پرداخت کرده‌اند.

توضیحات مزبور حاکی از آن است که میان میزان حمایت بخش دولتی از بیمه کشاورزی و ضریب نفوذ بیمه کشاورزی همبستگی مستقیم بالایی وجود دارد. حمایت بخش دولتی از بیمه کشاورزی در کشورهای ایالات متحده آمریکا و کانادا، بالاست. به همین خاطر این دو کشور حدود ۷۰ درصد حق بیمه صادره را در دنیا به خود اختصاص داده‌اند. اما در مقابل در کشورهای نظیر استرالیا و نیوزیلند به دلیل فقدان یا پایین بودن حمایت و مشارکت بخش دولتی در بیمه کشاورزی، سطح حق بیمه صادره، بسیار پایین است (ایتوریوز، ۱۳۹۱).

۳-۱۱. چگونگی حمایت مؤثر دولت‌ها از بیمه‌های کشاورزی

بیمه‌های کاملاً بازرگانی نمی‌توانند برای خطرات سیستماتیک یا کشاورزی کوچک‌تر، معتبر و قابل تصور باشند. نقش اصلی دولت‌ها باید رفع موانع مقرراتی و بازاری به منظور تشویق مشارکت بیمه‌های خصوصی و اتکایی باشد. براساس مطالعات بانک جهانی، پرداخت یارانه برای حق بیمه توسط دولت‌ها همیشه نمی‌تواند الزامی برای توسعه بیمه‌های کشاورزی باشد. بنابراین دولت‌ها در هنگام پرداخت چنین یارانه‌ای باید متوجه باشند که این کار باعث انحراف در بازارها خواهد شد.

۴-۱۱. مخاطرات حمایت یارانه‌ای از بیمه‌های کشاورزی

بسیاری از اقتصاددانان برنامه پرداخت یارانه حق بیمه توسط دولت‌ها را به بخش کشاورزی، فاقد عقلانیت اقتصادی می‌دانند. زیرا حمایت‌های دولتی در بازار بیمه کشاورزی می‌تواند مخاطراتی نظیر از بین بردن علائم قیمتی در بازار، خارج ساختن بخش خصوصی از بازار بیمه و بار مالی بر بودجه ملی را به همراه داشته باشد. از این رو، دولت‌ها باید اولاً یارانه‌های بیمه را هدفمند پرداخت کنند. ثانیاً دوره زمانی پرداخت چنین یارانه‌هایی را از قبل مشخص کرده باشند. این موضوع برای آن دسته از کشورهایی که از منابع مالی لازم برای پرداخت یارانه‌ها به صورت بلندمدت برخوردار نیستند (مانند ایران)، بسیار با اهمیت خواهد بود.

۵-۱۱. هدفمندی یارانه‌های بیمه کشاورزی

تحلیل و بررسی پیامدهای مالی و اقتصادی طرح‌های بیمه کشاورزی تحت حمایت دولت، ضروری است. مطالعه بانک جهانی در مورد ۶۵ کشور در سال ۲۰۰۸ نشان داده است که سهم هزینه دولت در یارانه‌های حق بیمه‌ای کشاورزی حدود ۴۴ درصد کل حق بیمه‌های ناخالص اولیه است و با احتساب یارانه‌های مربوط به خسارات، اجرایی و اداری بیمه، مجموع هزینه‌های دولت برای ارائه بیمه کشاورزی تا سطح ۶۸ درصد حق بیمه‌های ناخالص نهایی نیز خواهد رسید. بدیهی است که چنین طرح‌های یارانه‌ای سنگین دولتی، دولت‌های کم‌درآمد و یا با درآمد متوسط را برای تأمین آن به شدت در تنگنا قرار خواهد داد. علاوه بر این، تداوم پرداخت این یارانه‌ها باعث حذف علائم قیمتی بازار و تبدیل آنها به مشوق‌های نامناسب برای کشاورزان و دامداران جهت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کشاورزی پرخطر و حتی زیان‌آور خواهد شد. شاید برای کاهش آثار مخرب جانبی یارانه‌های حق بیمه کشاورزی مناسب باشد که حق بیمه‌های یارانه‌ای در قالب کالاهای عمومی مانند مدیریت جمع‌آوری اطلاعات، تحقیق و توسعه و چارچوب‌های نظارتی و قانونی صرف افزایش زیرساخت‌های بازار بیمه کشاورزی شوند (ماهول و استاتلی، ۱۳۹۳). بنابراین اگرچه پرداخت یارانه حق بیمه، یکی از عوامل اصلی توسعه بیمه در میان کشاورزان می‌باشد، اما لازم است که در بلندمدت اولاً به آثار جانبی این پرداخت‌ها بر انحراف بازارها توجه شود و ثانیاً تا حد امکان با استفاده از روش‌های کارآمد بیمه‌ای و اقتصادی و افزایش امکان دریافت حق بیمه بیشتر از کشاورزان و کاهش هزینه‌های اجرایی و اداری، از تبدیل شدن آن به یک پرداختی ملی سنگین در بلندمدت جلوگیری کرد. بدین ترتیب می‌توان حداقل مطمئن شد که پرداخت یارانه‌های حق بیمه در تناقض با هدف بنیادی آن یعنی توسعه اقتصادی بخش کشاورزی قرار نگیرد.

بدیهی است آن دسته از دولت‌هایی که اقدام به بهبود و ارتقای بیمه‌های کشاورزی می‌کنند، با چهار چالش عملیاتی، فنی، مالی و سازمانی مواجه خواهند بود؛ که به منظور ممانعت از طولانی شدن



بحث در اینجا از تحلیل هر کدام از چالش‌های مزبور پرهیز خواهد شد.^۱

۱۱-۶. رابطه یارانه حق بیمه و توسعه بیمه کشاورزی

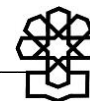
مطالعات نشان داده است که رابطه مستقیمی میان ضریب نفوذ بیمه کشاورزی و یارانه‌های پرداخت شده توسط دولت برای حق بیمه‌های کشاورزی وجود دارد. به عبارتی دیگر، در یک کشور هر اندازه که یارانه‌های حق بیمه بیشتری توسط دولت پرداخت شده است، تمایل و اقدام کشاورزان به بیمه کردن محصولات کشاورزی نیز بیشتر شده است. بدیهی است که پرداخت یارانه حق بیمه کشاورزی توسط دولت‌ها به دلیل بار مالی بالا برای تمامی کشورها به یک اندازه مقدور نیست و کشورهای با درآمد بالا (مانند ایالات متحده آمریکا) در این زمینه، پیشتاز هستند.

جمع بندی

۱. مبنای توسعه کشاورزی، سرمایه‌گذاری است و سودآوری و امنیت نیز الزامات اولیه برای انجام سرمایه‌گذاری به حساب می‌آیند. انتقال ریسک‌های تولیدی و بازاری از طریق شرکت‌های بیمه، متضمن ایجاد بخشی از امنیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی خواهد بود.
۲. فعالیت‌های کشاورزی به دلیل وابستگی به شرایط بیرونی غیرقابل کنترل در معرض تهدیدها و خطرات بیشتری در قیاس با فعالیت‌های صنعتی و خدماتی قرار دارند.
۳. بیمه، روشی برای انتقال ریسک از یک فرد حقیقی یا حقوقی به یک فرد حقوقی دیگر (شرکت بیمه) می‌باشد. بیمه به عنوان ابزاری برای انتقال و تقسیم ریسک در میان بیمه‌گر و بیمه‌گذار، نیازمند راهکارها و برنامه‌های مکملی است تا دستیابی به اهداف آن میسر باشد.
۴. اجرای جامع بیمه کشاورزی در کشور ایران، مستلزم تغییرات بنیادی و آمادگی بایسته و شایسته دو سوی موضوع یعنی کشاورزان (به عنوان متقاضیان خدمات بیمه کشاورزی) و صندوق بیمه کشاورزی (به عنوان عرضه‌کننده خدمات بیمه کشاورزی) خواهد بود.
۵. در تمامی کشورها، بیمه محصولات کشاورزی، یک نوع طرح حمایتی است که به منظور تثبیت درآمد تولیدکنندگان از طریق به حداقل رسانی آثار اقتصادی زیان‌های ناشی از حوادث طبیعی نظیر خشکسالی، تگرگ، سرمازدگی، رطوبت، آفات و بیماری‌های غیرقابل کنترل عملیاتی می‌شود. معمولاً هزینه‌های اجرای طرح بیمه محصولات کشاورزی در بین تولیدکنندگان و دولت به نسبت‌های

۱. برای کسب اطلاعات کامل در زمینه این چالش‌ها به صفحات ۲۰۶-۲۱۲ مأخذ زیر مراجعه شود:
ماهول، اولیور و استاتلی، چارلز. جی. «حمایت‌های دولتی از بیمه‌های کشاورزی (چالش‌ها و گزینه‌های پیشروی کشورهای در حال توسعه)». ترجمه محمود سبزی، معصومه مختاری و طیبه سبزی، انتشارات پژوهشکده بیمه، تهران، ۱۳۹۳.

- مشخصی تقسیم می‌شود. دولت در اجرای این طرح، ایفاگر نقش حمایتی خواهد بود.
۶. حمایت‌های بیمه‌ای از بخش کشاورزی تنها بخشی از حمایت‌های دولتی از این بخش به حساب می‌آید. یکی از اهداف توسعه بیمه در بخش کشاورزی، تثبیت درآمد تولیدکنندگان محصولات این بخش می‌باشد و دولت‌ها در کنار این ابزار حمایتی از طریق ابزارهای حمایتی دیگر نظیر قیمت تضمینی، یارانه‌های تولیدی و... برای دستیابی به این مهم تلاش می‌نمایند.
۷. حمایت‌های دولتی از بخش کشاورزی در سازمان جهانی تجارت (WTO) به صورت حمایت‌های مجاز و حمایت‌های غیرمجاز و در قالب جعبه‌های سبز، آبی و زرد (کهربایی) طبقه‌بندی شده‌اند.
۸. علیرغم اختلاف نظر اقتصاددانان در زمینه ضرورت و عدم ضرورت حمایت از بخش کشاورزی، در عمل حمایت از بخش کشاورزی در تمامی کشورها پذیرفته شده و عملیاتی گردیده است.
۹. حمایت‌های بخش دولتی از بخش کشاورزی معمولاً به چند طریق انجام می‌شود: حمایت‌های نهاده‌ای، حمایت‌های فنی، حمایت‌های بازاری، حمایت‌های اعتباری، حمایت‌های زیربنایی و حمایت‌های مالی.
۱۰. کمک‌های بیمه‌ای دولت به بخش کشاورزی هم در میان حمایت‌های مجاز WTO قرار دارد و هم در قالب بخشی از حمایت‌های مالی دولت از بخش کشاورزی، به‌عنوان یک سیاست اجرایی مرسوم در تمامی کشورهای دنیا پذیرفته شده است.
۱۱. خطراتی که فعالیت‌های کشاورزی را تهدید می‌کنند، می‌توان به دو دسته اقلیمی و غیراقلیمی (بازاری، نهادی، رفتاری، سیاستی و ناامنی) تقسیم کرد. تجارب گذشته و بررسی‌ها نشان داده است که بخش کشاورزی ایران، همواره در معرض تهدیدهای اقلیمی شدیدی قرار داشته و زیان‌های زیادی از خطرات اقلیمی متحمل شده است.
۱۲. همپوشانی برخی از منابع ریسک‌ها (تولیدی، بازاری، نهادی، مالی و انسانی) در بخش کشاورزی، باعث ایجاد شرایط نامناسب‌تر برای فعالیت کشاورزی شده است.
۱۳. مبنای توسعه کشاورزی، سرمایه‌گذاری است و سودآوری و امنیت نیز الزامات اولیه برای انجام سرمایه‌گذاری به حساب می‌آیند. انتقال ریسک‌های تولیدی و بازاری از طریق شرکت‌های بیمه، متضمن ایجاد بخشی از امنیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی خواهد بود.
۱۴. یکی از مؤثرترین راه‌های مقابله با انواع ریسک، مدیریت آنها خواهد بود. مدیریت ریسک در بخش کشاورزی به دلیل وابستگی فعالیت‌های آن به طبیعت از اهمیت بیشتری برای شرکت‌های بیمه برخوردار است. مدیریت ریسک در بخش کشاورزی باید بر ترکیب بهینه از ابزارهای مالی، فنی و فرهنگی متکی باشد.
۱۵. دولت برای مداخله در بخش کشاورزی می‌تواند راهبردهای متفاوت و حتی گاه متناقضی را



به صورت همزمان دنبال نماید. در چنین شرایطی، سیاستگذار به جای استفاده از یک ابزار حمایتی از مجموعه‌ای از این ابزارها در قالب «سبد حمایتی» استفاده خواهد کرد.

۱۶. ثبات درآمد کشاورزی از یکسو تابع ثبات تولید و عملکرد تولید در فعالیتهای کشاورزی است و از دیگر سو، تابع ثبات قیمت‌های حاکم بر بازار نهاده‌ها و محصولات کشاورزی خواهد بود. تلاش کشاورزان برای کاهش ریسک، معمولاً کافی به مقصود نبوده و اجرای نظام بیمه کشاورزی، گریزناپذیر خواهد بود.

۱۷. توسعه بیمه محصولات کشاورزی یکی از راهکارهای مهم در وهله اول برای کاهش خطرپذیری شغل کشاورزی و در وهله دوم جلوگیری از کاهش امنیت غذایی (بعد دسترسی فیزیکی به مواد غذایی) در آن دسته از کشورهایی است که بخش کشاورزی آنها با انواع متعددی از خطرات مواجه است. زیرا بیمه محصولات کشاورزی برای کشاورزان «امنیت» را به ارمغان می‌آورد که در کنار «سودآوری» به عنوان دومین فاکتور مهم برای شروع و تداوم هرگونه فعالیت اقتصادی به حساب می‌آید.

۱۸. عدم ثبات در درآمدهای مزرعه و متضرر شدن تولیدکنندگان در اکثر کشورهای توسعه‌نیافته و حتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از ناحیه عوامل غیرقابل کنترل و ریسک‌هایی که از طریق روش‌های مدیریت ریسک قابل کنترل نمی‌باشند، فشارهایی را بر دولت‌های این کشورها وارد آورده است تا برنامه‌هایی را در جهت ثبات درآمدهای تولیدکنندگان از قبیل پرداخت‌های جبرانی، تعیین قیمت‌های تضمینی، هدف و خریدهای اعتباری و یا بیمه محصولات کشاورزی تهیه و تدوین نمایند.

۱۹. یکی از اهداف توسعه بیمه در بخش کشاورزی، تثبیت درآمد تولیدکنندگان محصولات این بخش می‌باشد و معمولاً دولت‌ها در کنار این ابزار حمایتی از طریق ابزارهای حمایتی دیگر نظیر قیمت تضمینی، یارانه‌های تولیدی و... برای دستیابی به این مهم تلاش می‌نمایند.

۲۰. خطر یا همان ریسک، همیشه با فعالیت‌های بخش کشاورزی همراه خواهد بود و مدیریت ریسک نیز باید جزئی از برنامه‌های کشاورزان قرار گیرد.

۲۱. به جهت اهمیت بخش کشاورزی و آثار پسین و پیشینی که فعالیت‌های این بخش بر اقتصاد کشور دارد، گزینه مناسب، جامع و کارآمد، تمرکز «مدیریت ریسک در کل زنجیره ارزش کسب‌وکار کشاورزی» به جای مدیریت ریسک فعالیت‌های مستقیم کشاورزی در زیربخش‌های باغداری، زراعت، دام و طیور و آبزیان خواهد بود.

۲۲. بیمه محصولات کشاورزی، باعث امنیت شغلی و درآمدی کشاورزان شده و می‌تواند ابزاری مؤثر برای انتقال از کشاورزی معیشتی به کشاورزی مختلط و تجاری باشد.

۲۳. تداوم هرگونه فعالیت اقتصادی مانند بیمه کشاورزی در «بلندمدت» در هر نظام اقتصادی (بازار آزاد، متمرکز و مختلط)، نیازمند سودآوری مناسب است. زیرا وجود سودآوری از یکسو، انگیزه حضور فعالان اقتصادی را در آن فعالیت فراهم خواهد کرد و از سوی دیگر با پوشش هزینه‌های تولید کالاها و

خدمات، امکان تداوم آن فعالیت را فراهم می‌نماید.

۲۴. براساس مطالعات انجام شده، به‌طور کلی عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان برای بیمه کردن فعالیت‌های خود عبارتند از: سطح سواد، سابقه خطر، میزان بدهی به مؤسسات اعتباری و بانک‌ها، نوسانات میزان محصول تولیدی، حق بیمه، سطح تکنولوژی، سطح زیر کشت، سن، نوع کشاورزی، مالکیت زمین، سابقه فعالیت، آگاهی از منافع بیمه، درآمد سالانه، نگرش نسبت به بیمه، منزلت اجتماعی، مشاغل جانبی، میزان پس‌انداز، یارانه بیمه، درجه ریسک‌گریزی و نسبت غرامت پرداختی.

۲۵. اجرای بیمه کشاورزی در تمامی کشورها (با وجود تفاوت در شیوه و اجرا) از حمایت‌های مالی دولت‌ها برخوردار است.

۲۶. بررسی تجارب کشورهای مختلف نشان داده است که بیمه کشاورزی بدون حمایت دولت نمی‌تواند به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی هم به ارائه خدمات بیمه‌ای در راستای توسعه کشاورزی بپردازد و هم از سودآوری لازم برای بقا و توسعه در آینده برخوردار باشد.

۲۷. در بسیاری از کشورها، دولت به‌عنوان بیمه‌اتکایی برای بیمه‌گران کشاورزی عمل می‌کند.

۲۸. در تمامی کشورها، مشکل مخاطرات اخلاقی و انتخاب نامناسب درخصوص بیمه کشاورزی وجود دارد.

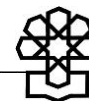
۲۹. آن دسته از بیمه‌های کشاورزی با مشکلات کمتری از لحاظ مخاطرات اخلاقی، انتخاب نامناسب و عملکرد مالی مواجه هستند که از اطلاعات کامل بلندمدتی درخصوص شرایط آب‌وهوا، عملکرد، الگوی کشت مناطق تحت پوشش و فعالیت‌های تولیدی بیمه‌گذاران برخوردار هستند.

۳۰. شواهد و تجارب نشان داده است که رابطه مستقیمی میان فراوانی وقوع ریسک، فراگیری ریسک در یک منطقه، حساسیت محصول به رویدادهای اقلیمی و آفات و بیماری‌ها و تعداد ریسک‌های تحت پوشش با میزان حق بیمه وجود دارد. معمولاً هر قدر تعداد بیمه‌گذاران بیشتر باشند، نرخ حق بیمه کمتری تعیین خواهد شد.

۳۱. عوامل مؤثر نرخ حق بیمه کشاورزی عبارتند از: فراوانی وقوع ریسک از نظر زمانی و مکانی، نوع ریسک، حساسیت محصولات، تعداد ریسک‌های تحت پوشش، تعداد بیمه‌گذاران، سایر مسائل فنی مانند کسورات، قدرت نفوذ کشاورزان در نهادهای تصمیم‌گیرنده.

۳۲. از آنجا که افزایش حق بیمه در بخش کشاورزی ممکن است به کاهش تقاضا برای خدمات بیمه منجر شود (به‌دلیل کسش‌پذیر بودن تقاضای خدمات بیمه‌ای)، لذا سیاست اجرایی در بخش کشاورزی باید بر کاهش حق بیمه و افزایش تعداد متقاضیان خدمات بیمه‌ای (تعداد بیمه‌گذاران) متمرکز باشد.

۳۳. پرداخت یارانه حق بیمه کشاورزی در کنار نقش مثبت در توسعه بیمه در بخش کشاورزی می‌تواند موجب افزایش مخاطرات اخلاقی، انحراف الگوی تولید و تحمیل هزینه‌های سنگین بر بودجه دولتی نیز بگردد.



۳۴. یارانه بیمه دولتی، انگیزه‌های اقتصادی نامناسبی را برای کشاورزان ایجاد می‌کند تا محصولات پرخطر را در نواحی پرمخاطره تولید کنند. به این ترتیب یارانه حق بیمه می‌تواند در تقابل با سایر برنامه‌های دولت برای کاهش مخاطرات عمل نماید.

۳۵. حق بیمه‌ها شامل یک جزء ریسک (خسارات مورد انتظار) و یک جزء هزینه (هزینه‌های اجرایی و عملیاتی بیمه) هستند. برای گریز از مخاطرات اخلاقی، کشاورزان حداقل باید جزء ریسک را پرداخت کنند تا خسارات مورد انتظار آنها پوشش داده شود.

۳۶. بیمه کشاورزی، نمی‌تواند براساس نظام بازار آزاد به صورت یک بنگاه اقتصادی سودآور (همانند بیمه‌های فعال در صنعت و خدمات) به فعالیت خود در بلندمدت ادامه بدهد. به همین خاطر باید آن را به عنوان یک نهاد حمایتی، تعریف نموده که از کمک‌های سالانه بخش دولتی برخوردار می‌باشد.

۳۷. دو هدف عمده از خصوصی کردن بیمه کشاورزی از دیدگاه برنامه‌ریزان عبارتند از: کاهش فشار هزینه بر بودجه دولتی و توسعه کارآمد خدمات بیمه‌ای. تجارب کشورها نشان داده است که اگرچه هدف اول با خصوصی‌سازی بیمه کشاورزی محقق می‌شود، اما تحقق هدف دوم، به دلیل عدم امکان حاکمیت شرایط بازار آزاد (عرضه و تقاضا)، غیرممکن خواهد شد.

۳۸. دو دلیل عمده عدم علاقمندی بیمه خصوصی برای حضور در بخش کشاورزی عبارتند از:

(الف) بازده پایین بیمه در بخش کشاورزی به دلیل تواتر و شدت همزمان خسارات ناشی از زیاد بودن خطرات در فعالیت‌های کشاورزی.

(ب) ساختار خاص حاکم بر بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته.

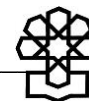
۳۹. در هیچ کشوری نمی‌توان شاهد بیمه خصوصی کشاورزی بدون پشتیبانی بخش دولتی بود. اجرای مدل بیمه دولتی - خصوصی در بخش کشاورزی، در برخی از کشورها به صورت موردی در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

۴۰. بخش خصوصی برای ارائه خدمات بیمه کشاورزی هم با محدودیت‌هایی روبرو است و هم تحقق یکسری پیش شرط‌ها را در بخش کشاورزی برای حضور خود لازم می‌داند.

۴۱. کشورهای توسعه یافته از گذشته دور، به دنبال بهره‌مندی از منافع بیمه محصولات کشاورزی بوده‌اند. «امنیت اقتصادی» به عنوان مهمترین دستاورد بیمه فعالیت‌های اقتصادی به ویژه فعالیت‌های کشاورزی به حساب می‌آید.

۴۲. مهمترین کارکردهای بیمه در بخش کشاورزی عبارتند از: ایجاد امنیت برای تولید در بخش کشاورزی، افزایش توان محاسباتی و برنامه‌ریزی، بهره‌مندی از نظارت مداوم کارشناسان بیمه، کمک به کاهش یا رفع آسیب‌پذیری روستائیان، تأمین امنیت سرمایه‌گذاری خصوصی در کشاورزی، کاهش یا قطع کمک‌های بلاعوض دولت به کشاورزان و حذف محصولات کشاورزی غیراقتصادی.

۴۳. مطالعات نشان داده است که رابطه مستقیمی میان ضریب نفوذ بیمه کشاورزی و یارانه‌های پرداخت شده توسط دولت برای حق بیمه‌های کشاورزی وجود دارد.
۴۴. نسبت هیزل در بخش کشاورزی برای تمام کشورهای منتخب، بزرگ‌تر از یک بوده است. این موضوع بدین مفهوم است که سیستم بیمه کشاورزی از نظر مالی، پایدار نبوده و شرکت‌های بیمه فعال در بخش کشاورزی برای ادامه فعالیت خود نیازمند تأمین مالی خارج از سیستم بیمه (حمایت دولت) هستند.
۴۵. بیمه اتکایی کشاورزی، تأمین‌کننده بیمه برای بیمه‌گران کشاورزی بوده و به دلیل اینکه خطرات کشاورزی می‌تواند سیستماتیک و قابل توجه باشند، دسترسی بیمه‌گران کشاورزی به بیمه اتکایی، بسیار حیاتی خواهد بود.
۴۶. شرکت‌های بیمه‌گر در حوزه کشاورزی، تنها زمانی که حجم خسارات، اندک بوده و دارای توان مالی باشند، می‌توانند از عهده پرداخت خسارات برآمده و عملاً نسبت به پرداخت آن خسارات اقدام نمایند. در بسیاری از مواقع دولت به‌عنوان بیمه‌گر اتکایی نهایی، بیمه‌گذار و شرکت‌های بیمه را مورد حمایت قرار داده و از یکسو، با پرداخت یارانه به بیمه‌گذار، بخشی از هزینه‌های بیمه‌ای بیمه‌گذار (حق بیمه) را پرداخت می‌نماید و از دیگر سو، در هنگام بروز خسارت، دولت شخصاً به‌عنوان بیمه‌گر اتکایی، خسارت ایجاد شده را پوشش خواهد داد.
۴۷. از آنجا که در بیمه اتکایی نمی‌توان اطمینان داشت که مخارج در سطح مشخصی باقی می‌مانند، حمایت دولت از بیمه اتکایی همواره به‌عنوان یک گزینه در تمامی نظام‌ها و سیستم‌های بیمه‌ای مطرح می‌باشد.
۴۸. بررسی‌ها درخصوص بیمه اتکایی کشاورزی نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورهای دنیا، دولت‌ها بیمه‌گران اتکایی شرکت‌های بیمه خصوصی هستند. در موارد اندکی، بیمه‌گران اتکایی بین‌المللی حاضر به پذیرش ریسک «بازارهای کوچک» بیمه کشاورزی هستند و اغلب علاقمند هستند که «بازارهای بزرگ» بیمه مانند بیمه کشاورزی ایالات متحده آمریکا را تحت پوشش قرار دهند.
۴۹. برای آگاهی از عوامل مؤثر بر رشد و گسترش بیمه محصولات کشاورزی در بخش کشاورزی، لازم است که همزمان به عوامل مؤثر و موانع فراروی توسعه عرضه خدمات بیمه کشاورزی (سمت عرضه خدمات بیمه) و عوامل مؤثر و موانع فراروی توسعه تقاضای خدمات بیمه کشاورزی توسط کشاورزان (سمت تقاضای خدمات بیمه) توجه لازم صورت پذیرد.
۵۰. مهم‌ترین دلایلی که حمایت دولت‌ها را از بیمه کشاورزی ضروری ساخته است، عبارتند از: وجود خطرات سیستماتیک، عدم تقارن اطلاعات، طرح‌های امدادی پس از فاجعه، محدودیت دسترسی به بازارهای بیمه اتکایی بین‌المللی، ضعف یا فقدان حمایت‌های زیرساختی برای فروش بیمه‌های کشاورزی، کم‌اطلاعی کشاورزان از خطرات، فقدان فرهنگ بیمه و خلأهای قانونی در مورد بیمه در برخی از کشورهای کم‌درآمد و دارای درآمد متوسط.



۵۱. بسیاری از اقتصاددانان برنامه پرداخت یارانه حق بیمه توسط دولت‌ها را به بخش کشاورزی، فاقد عقلانیت اقتصادی می‌دانند. چراکه حمایت‌های دولتی در بازار بیمه کشاورزی می‌تواند مخاطراتی نظیر از بین بردن علائم قیمتی در بازار، خارج ساختن بخش خصوصی از بازار بیمه و بار مالی بر بودجه ملی را به همراه داشته باشد.

۵۲. اجرای موفقیت‌آمیز یک برنامه بیمه کشاورزی، الزامات خاص خود را دارد.

۵۳. لازم است که در بلندمدت اولاً به آثار جانبی پرداخت یارانه‌های حق بیمه کشاورزی بر انحراف بازارها توجه شود و ثانیاً تا حد امکان با استفاده از روش‌های کارآمد بیمه‌ای و اقتصادی و افزایش امکان دریافت حق بیمه بیشتر از کشاورزان و کاهش هزینه‌های اجرایی و اداری، از تبدیل شدن آن به یک پرداختی ملی سنگین در بلندمدت جلوگیری نمود. بدین ترتیب می‌توان حداقل مطمئن شد که پرداخت یارانه‌های حق بیمه در تناقض با هدف بنیادی آن یعنی توسعه اقتصادی بخش کشاورزی قرار نگیرد.

۵۴. با اینکه پرداخت یارانه‌های حق بیمه در تمامی کشورهای دارای سطح توسعه متفاوت (از پردرآمد تا کم درآمد)، موضوعی رایج است، اما سهم کشورهای پردرآمد در مورد آن، بیشتر است.

۵۵. برای توسعه و گسترش بیمه در بخش کشاورزی با توجه به میزان حضور و حمایت بخش دولتی می‌توان سه مدل متفاوت را شناسایی کرد: مدل بیمه کشاورزی مبتنی بر کنترل دولت، مدل بیمه کشاورزی مبتنی بر مکانیسم بازار (عرضه و تقاضا) و مدل بیمه کشاورزی مبتنی بر مشارکت دولت و بخش خصوصی.

۵۶. برای ایجاد و توسعه یک بازار بیمه کشاورزی موفق، کارآمد و با ثبات، مدل بیمه کشاورزی مبتنی بر مشارکت دولت و بخش خصوصی، ترجیح داده می‌شود. زیرا همزمان که از طریق مشارکت بخش خصوصی، مهارت، تخصص و نوآوری به بازار بیمه وارد می‌شود، مشارکت بخش دولتی به شکل حمایت از بیمه کشاورزی، نقش کلیدی در توسعه برنامه‌های بیمه‌های کشاورزی خواهد داشت.

۵۷. عوامل مؤثر بر نرخ حق بیمه کشاورزی، عبارتند از: فراوانی وقوع ریسک از نظر زمانی و مکانی، نوع ریسک، حساسیت محصولات، تعداد ریسک‌های تحت پوشش، تعداد بیمه‌گذاران، قدرت نفوذ کشاورزان در نهادهای تصمیم‌گیرنده و سایر مسائل فنی مانند کسورات.

۵۸. توسعه کمی و کیفی بیمه کشاورزی تقریباً در تمامی کشورها، نیازمند حمایت‌های یارانه‌ای بخش دولتی بوده و این امر مهم در کشورهای پردرآمد، بهتر و بیشتر نهادینه شده است.

۵۹. رایج‌ترین مکانسیم‌ها برای مشارکت بخش دولتی در بازارهای بیمه کشاورزی عبارتند از: یارانه حق بیمه، سرمایه‌گذاری در تحقیقات، کارآموزی و جمع‌آوری اطلاعات، قانونگذاری بیمه کشاورزی، بیمه اتکایی بخش دولتی و یارانه هزینه‌های اجرایی.

نتیجه‌گیری

الف) اهمیت بخش کشاورزی برای اقتصادهای ملی باعث شده است که حمایت همه‌جانبه و کارآمد از بخش کشاورزی در تمامی کشورهای دنیا، موضوعی پذیرفته شده و ضروری قلمداد شود. شکل حمایت‌های به‌عمل آمده در کشورها با وجود شباهت‌های زیاد، از تفاوت‌های محسوسی نیز برخوردار است.

ب) ریسک‌های موجود در کشاورزی دو دسته هستند: ریسک‌های قابل کنترل و ریسک‌های غیرقابل کنترل. آثار ریسک‌های قابل کنترل را می‌توان از طریق شگردهای مختلف مدیریتی نظیر مدیریت پیشگیری به حداقل رساند. اما راهکار نهایی و کارآمد مقابله با ریسک‌های غیرقابل کنترل، بیمه فعالیت‌های کشاورزی خواهد بود.

ج) وجود شرایط متفاوت حاکم بر بخش‌های صنعت و خدمات با بخش کشاورزی (به‌ویژه وجود ریسک‌های گسترده غیرقابل کنترل، شدت و تواتر خسارات و حجم زیاد غرامت‌های پرداختی) باعث شده است که امکان اجرا و پیاده‌سازی سیستم بیمه‌های خصوصی صنعتی و خدماتی در قالب بنگاه‌های اقتصادی سودآور در بخش کشاورزی، میسر نباشد.

د) وجود ریسک‌های فراوان در بخش کشاورزی و عدم انگیزه بیمه‌های خصوصی برای ارائه خدمات بیمه‌ای به کشاورزی از یکسو به‌همراه ضرورت مقابله و مدیریت این ریسک‌ها از دیگر سو باعث شده است که بالاچار بخش دولتی نسبت به ارائه خدمات بیمه‌ای در بخش کشاورزی اقدام نماید.

هـ) حق بیمه‌های بالای کشاورزی، ناتوانی و عدم انگیزه بسیاری از کشاورزان برای پرداخت این حق بیمه‌ها باعث شده است که در تمامی کشورها دنیا، دولت پرداخت درصد زیادی از حق بیمه‌های کشاورزی را برعهده بگیرد (یارانه حق بیمه). رابطه مستقیمی بین میزان یارانه حق بیمه پرداختی توسط دولت و سطح توسعه (درآمد) کشورها وجود دارد.

و) کمک‌های بیمه‌ای دولت به بخش کشاورزی هم در میان حمایت‌های مجاز WTO قرار دارد و به‌عنوان بخشی از حمایت‌های مالی دولت از بخش کشاورزی، یک سیاست اجرایی مرسوم و جاری در میان تمامی کشورهای دنیا است.

ز) حضور محدود بیمه‌های خصوصی برای ارائه خدمات کشاورزی در برخی از کشورها نیز عمدتاً در قالب مدل بیمه مشارکتی دولتی- خصوصی بوده است که باز دولت، نقش بیمه‌گر اتکایی را برای بیمه‌گرهای خصوصی (شرکت‌های بیمه بازرگانی) فعال در بخش کشاورزی بازی کرده است.



پیشنهادها

- الف) از آنجا که حمایت از بخش کشاورزی در تمامی کشورهای دنیا به‌عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر پذیرفته شده است، گسترش و تداوم هدفمند و کارآمد حمایت‌های متعدد پارانه‌ای از بخش کشاورزی باید مدنظر قرار گیرد.
- ب) بیمه کشاورزی، یک فعالیت خدماتی-حمایتی است و تداوم حمایت‌های هدفمند دولت از آن ضروری است.
- ج) به‌منظور تنوع‌بخشی در ارائه خدمات، ایجاد زمینه‌های حضور شرکت‌های بازرگانی بیمه در بخش کشاورزی و کاهش حضور و مداخله غیرضروری بخش دولتی در بیمه کشاورزی، بازبینی در قوانین مرتبط با بیمه کشاورزی در راستای مزبور ضروری است.
- د) توجه به کارکردهای بیمه در توسعه همه‌جانبه بخش کشاورزی باید به‌عنوان یکی از سیاست‌های ترجیحی دولت تعریف شود.

منابع و مآخذ

۱. ایتوریوز، رامیرو. «بیمه کشاورزی»، ترجمه حبیب میرزایی، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده بیمه، تهران، ۱۳۹۱.
۲. ایثاری، بهزاد. «نقش بخش خصوصی در توسعه بیمه کشاورزی». دومین همایش بیمه کشاورزی، توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری، صندوق بیمه محصولات کشاورزی، ۱۳۸۰.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران «شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، فروردین ماه ۱۳۹۵ (۱۰۰=۱۳۹۰)». قابل دسترسی در: www.cbi.ir، ۱۳۹۵.
۴. جلالی لواسانی، احسان. «مروری بر تجربیات کشورهای مطرح در بیمه محصولات کشاورزی و شیوه پذیرش ریسک»، تازه‌های جهان بیمه، شماره ۱۶۶، ۱۳۹۱.
۵. خالدی، کوهسار. «کلیات اقتصاد کشاورزی»، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ۱۳۹۳.
۶. دوراندیش، آرش و نیکوکار، فاطمه. «مطالعات تطبیقی نظام‌های بیمه کشاورزی در سایر کشورها»، طرح تحقیقاتی، صندوق بیمه محصولات کشاورزی، ۱۳۸۷.
۷. سلامی، حبیب ا...، دوراندیش، آرش. «موانع و چالش‌های فراروی بیمه کشاورزی»، دومین همایش بیمه کشاورزی، توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری، صندوق بیمه محصولات کشاورزی، ۱۳۸۲.
۸. شاکری، عباس و موسوی، میرحسین. «بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی در بخش کشاورزی»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۱(۴۳-۴۴): ۸۹-۱۱۵، ۱۳۸۲.
۹. ماهول، اولیویر و استاتلی، چارلز. جی. «حمایت‌های دولتی از بیمه‌های کشاورزی (چالش‌ها و گزینه‌های پیش‌روی کشورهای در حال توسعه)»، ترجمه محمود سبزی، معصومه مختاری و طیبه سبزی، انتشارات پژوهشکده بیمه، تهران، ۱۳۹۳.
۱۰. مرکز آمار ایران. «نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی کل کشور-۱۳۹۳». چاپ اول، انتشارات مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴.

11. FAO (2012). "Agricultural Insurance in Asia and Pacific Region". Bangkok 2011, RAP PUBLICATION 2011/12, ISBN 978-92-5-106929-5. Available in: www.fao.org.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۱۷۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بیمه کشاورزی: ۱. مبانی نظری بیمه ضرورت‌ها، موانع و کارکردها

نام دفتر: مطالعات زیربنایی (گروه کشاورزی)

تهیه و تدوین کنندگان: کوهسار خالدي، تکتّم طالبی

ناظران علمی: محمدحسن معادی رودسری، محسن صمدی

متقاضی: غلامرضا کاتب (عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی)

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. بیمه کشاورزی
۲. نظام بیمه کشاورزی
۳. چالش‌های بیمه کشاورزی
۴. دولت‌ها و بیمه کشاورزی
۵. خصوصی‌سازی بیمه کشاورزی
۶. حمایت از بخش کشاورزی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۹/۲۰

